بسم اللّه الرّحمن الرّحيم   
قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله :  
انّى تارك فيكم الثقلين   
كتاب اللّه و عترتى اءهل بيتى   
فانّهما لن يفترقا حتى يردا علىّ الحوض   
الحمدللّه و سبحانك اللّهمّ صلّ على محمّد و آله  
مظاهر جمالك وجلالك   
و خزائن اءسرار كتابك الذى تجلّى فيه الاحديّة بجميع اءسمائك حتى المستاءثر منها  
الذى لا يعلمه غيرك   
و اللعن على ظالميهم اءصل الشجرة الخبيثه

.  
و بعد اينجانب مناسب مى دانم كه شمّه اى كوتاه و قاصر در باب ثقلين تذكر دهم ، نه از حيث مقامات غيبى و معنوى و عرفانى كه قلم مثل منى عاجز است از جسارت در مرتبه اى كه عرفان آن بر تمام دائره وجود از ملك تا ملكوت اعلى و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو نايد سنگين و تحمل آن فوق طاقت ، اگر نگويم ممتنع است . و نه از آنچه بر بشريت گذشته است از مهجور بودن از حقايق مقام والاى ثقل اكبر و ثقل كبير كه از هر چيز اكبر است جز ثقل اكبر كه اكبر مطلق است و نه از آن چه گذشته است بر اين دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتيان بازيگر كه شمارش آن براى مثل منى ميسّر نيست با قصور اطّلاع و وقت محدود، بلكه مناسب ديدم اشاره اى گذرا و بسيار كوتاه از آن چه بر اين دو ثقل گذشته است بنمايم

شايد جمله **"***لن يفترقا حتّى يردا عَلَىَّ الحوض* **"** اشاره باشد بر اينكه بعد از وجود مقدّس ‍ رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله وسلّم هرچه بر يكى از اين دو گذشته است بر ديگرى گذشته است و مهجوريت هريك مهجوريت ديگرى است تا آنگاه كه اين دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند. و آيا اين حوض مقام اتّصال كثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دريااست يا چيز ديگر كه به عقل و عرفان بشر راهى ندارد! و بايد گفت آن ستمى كه از طاغوتيان بر اين دو وديعه رسول اكرم صلّى اللّه عليه و آله گذشته بر امّت مسلمان بلكه بر بشريت گذشته است كه قلم از آن عاجز است

و ذكر اين نكته لازم است كه حديث ثقلين متواتر بين جميع مسلمين است و كتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا كتب ديگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مكرّره از پيغمبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله به طور متواتر نقل شده است و اين حديث شريف حجت قاطع است بر جميع بشر به ويژه مسلمانان مذاهب مختلف و بايد همه مسلمانان كه حجّت بر آنان تمام است جوابگوى آن باشند و اگر عذرى براى جاهلان بى خبر باشد براى علماى مذاهب نيست .   
اكنون ببينيم چه گذشته است بر كتاب خدا اين وديعه الهى و ماترك پيامبر اسلام صلى اللّه عليه و آله وسلّم مسائل تاسف انگيزى كه بايد براى آن خون گريه كرد، پس از شهادت حضرت على عليه السّلام شروع شد.

خودخواهان و طاغوتيان با قرآن و عترت چه كردند

خود خواهان و طاغوتيان قرآن كريم را وسيله اى كردند براى حكومتهاى ضد قرآنى و مفسّران حقيقى قرآن و آشنايان به حقايق را كه سراسر قرآن را از پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله دريافت كرده بودند و نداى *انّى تارك فيكم الثقلان* در گوششان بود با بهانه هاى مختلف و توطئه هاى از پيش تهيه شده آنان را عقب زده و با قرآن ، در حقيقت قرآن را كه براى بشريت تا ورود به حوض بزرگترين دستور زندگانى مادّى و معنوى بود و است از صحنه خارج كردند و بر حكومت عدل الهى كه يكى از آرمانهاى اين كتاب مقدّس بوده و هست خط بطلان كشيدند و انحراف از دين خدا و كتاب و سنت الهى را پايه گذارى كردند تا كار به جايى رسيد كه قلم از شرح آن شرمسار است

و هرچه اين بنيان كج به جلو آمد كجى ها و انحرافها افزون شد تا آنجا كه قرآن كريم را كه براى رشد جهانيان و نقطه جمع همه مسلمانان بلكه عائله بشرى از مقام شامخ احديت به كشف تامّ محمدى (ص ) تنزل كرد كه بشريت را به آنچه بايد برسند، برساند و اين وليده علّم الاسماء را از شرّ شياطين و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حكومت را به دست اولياءاللّه ، معصومين عليهم صلوات الاوّلين والا خرين بسپارد تا آنان به هركه صلاح بشريت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند كه گويى نقشى براى هدايت ندارد و كار به جايى رسيد كه نقش قرآن به دست حكومتهاى جائر و آخوندهاى خبيث بدتر از طاغوتيان وسيله اى براى اقامه جور و فساد و توجيه ستمگران و معاندان حق تعالى شد و مع الاسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل ، قرآن اين كتاب سرنوشت ساز، نقشى جز در گورستانها و مجالس مُردگان نداشت و ندارد و آن كه بايد وسيله جمع مسلمانان و بشريت و كتاب زندگى آنان باشد، وسيله تفرقه و اختلاف گرديد و يا به كلى از صحنه خارج شد، كه ديديم اگر كسى دم از حكومت اسلامى برمى آورد و از سياست كه نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلّى اللّه عليه و آله و قرآن و سنت مشحون آن است سخن مى گفت گويى بزرگترين معصيت را مرتكب شده و كلمه آخوند سياسى موازن با آخوند بى دين شده بود و اكنون نيز هست

قرآن عليه قرآن

اخيرا قدرتهاى شيطانى بزرگ به وسيله حكومتهاى منحرف خارج از تعليمات اسلامى كه خود را به دروغ به اسلام بسته اند براى محو قرآن و تثبيت مقاصد شيطانى ابرقدرتها قرآن را با خط زيبا طبع مى كنند و به اطراف مى فرستند و با اين حيله شيطانى قرآن را از صحنه خارج مى كنند. ما همه ديديم قرآنى را كه محمدرضا خان پهلوى طبع كرد و عده اى را اغفال كرد و بعض آخوندهاى بى خبر از مقاصد اسلامى هم مداح او بودند و مى بينيم كه ملك فهد هرسال مقدار زيادى از ثروتهاى بى پايان مردم را صرف طبع قرآن كريم و محّال تبليغات مذهب ضد قرآنى مى كند و وهابيت اين مذهب سراپا بى اساس و خرافاتى را ترويج مى كند و مردم و ملتهاى غافل را سوق به سوى ابرقدرتها مى دهد و از اسلام عزيز و قرآن كريم براى هدم اسلام و قرآن بهره بردارى مى كند.  
افتخارات ملت ما

ما مفتخريم و ملت عزيز سرتا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است كه پيرو مذهبى است كه مى خواهد حقايق قرآنى كه سراسر آن از وحدت بين مسلمين بلكه بشريت دم مى زند، از مقبره ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترين نسخه نجات دهنده بشر از جميع قيودى كه بر پاى و دست و قلب و عقل او پيچيده است و او را به سوى فنا و نيستى و بردگى و بندگى طاغوتيان مى كشاند، نجات دهد. و ما مفتخريم كه پيرو مذهبى هستيم كه رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالى بوده و اميرالمؤ منين على بن ابيطالب اين بنده رها شده از تمام قيود، ماءمور رها كردن بشر از تمام اغلال و بردگيها است .

ما مفتخريم كه كتاب نهج البلاغه كه بعد از قرآن بزرگترين دستور زندگى مادى و معنوى و بالاترين كتاب رهايى بخش بشر است و دستورات معنوى و حكومتى آن بالاترين راه نجات است ، از امام معصوم ما است .

ما مفتخريم كه ائمه معصومين از على بن ابيطالب گرفته تا منجى بشر حضرت مهدى صاحب زمان عليهم آلاف التحيات والسلام كه به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.

ما مفتخريم كه ادعيه حيات بخش كه او را قرآن صاعد مى خوانند از ائمه معصومين ما است . ما به مناجات شعبانيّه امامان و دعاى عرفات حسين بن على عليهماالسّلام و صحيفه سجاديه اين زبور آل محمد و صحيفه فاطميّه كه كتاب الهام شده از جانب خداوند تعالى به زهراى مرضيّه است از ما است .  
ما مفتخريم كه باقرالعلوم بالاترين شخصيت تاريخ است و كسى جز خداى تعالى و رسول صلى اللّه عليه و آله و ائمّه معصومين عليهم السلام ، مقام او را درك نكرده و نتوانند درك كرد، از ما است

و ما مفتخريم كه مذهب ما جعفرى است كه فقه ما كه درياى بى پايان است يكى از آثار اوست و ما مفتخريم به همه ائمه معصومين عليهم صلوات اللّه و متعهد به پيروى آنانيم

ما مفتخريم كه ائمه معصومين ما صلوات اللّه و سلامه عليهم در راه تعالى دين اسلام و در راه پياده كردن قرآن كريم كه تشكيل حكومت عدل يكى از ابعاد آن است در حبس و تبعيد به سر برده و عاقبت در راه براندازى حكومتهاى جائرانه و طاغوتيان زمان خود شهيد شدند. و ما امروز مفتخريم كه مى خواهيم مقاصد قرآن و سنت را پياده كنيم و اقشار مختلفه ملت ما در اين راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته جان و مال و عزيزان خود را نثار راه خدا مى كنند.   
ما مفتخريم كه بانوان و زنان پير و جوان و خُرد و كلان در صحنه هاى فرهنگى و اقتصادى و نظامى حاضر و همدوش مردان يا بهتر از آنان در راه تعالى اسلام و مقاصد قرآن كريم فعاليت دارند. و آنان كه توان جنگ دارند در آموزش نظامى كه براى دفاع از اسلام و كشور اسلامى از واجبات مهم است شركت و از محروميتهايى كه توطئه دشمنان و نا آشنايى دوستان از احكام اسلام و قرآن بر آنها بلكه بر اسلام و مسلمانان تحميل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قيد خرافاتى كه دشمنان براى منافع خود به دست نادانان و بعضى آخوندهاى بى اطلاع از مصالح مسلمين به وجود آورده بودند خارج نموده اند. و آنان كه توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندى كه دل ملّت را از شوق و شعف به لرزه در مى آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب مى لرزاند اشتغال دارند. و ما مكرر ديديم كه زنان بزرگوارى زينب گونه عليها سلام اللّه فرياد مى زنند كه فرزندان خود را از دست داده و در راه خداى تعالى و اسلام عزيز از همه چيز خود گذشته و مفتخرند به اين امر و مى دانند آنچه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعيم است چه رسد به متاع ناچيز دنيا، و ملت ما بلكه ملتهاى اسلامى و مستضعفان جهان مفتخرند به اينكه دشمنان آنان كه دشمنان خداى بزرگ و قرآن كريم و اسلام عزيزند درندگانى هستند كه از هيچ جنايت و خيانتى براى مقاصد شوم جنايتكارانه خود دست نمى كشند و براى رسيدن به رياست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمى شناسند و در راءس آنان آمريكا اين تروريست بالذّات دولتى است كه سرتاسر جهان را به آتش كشيده و هم پيمان او صهيونيست جهانى است كه براى رسيدن به مطامع خود جناياتى مرتكب مى شود كه قلم ها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خيال ابلهانه اسرائيل بزرگ ، آنان را به هر جنايتى مى كشاند. و ملتهاى اسلامى و مستضعفان جهان مفتخرند كه دشمنان آنها حسين اردنى اين جنايت پيشه دوره گرد، و حسن و حسنى مبارك هم آخور با اسرائيل جنايتكارند و در راه خدمت به آمريكا و اسرائيل از هيچ خيانتى به ملتهاى خود روى گردان نيستند. و ما مفتخريم كه دشمن ما صدام عفلقى است كه دوست و دشمن او را به جنايت كارى و نقض ‍ حقوق بين المللى و حقوق بشر مى شناسند و همه مى دانند كه خيانتكارى او به ملت مظلوم عراق و شيخ ‌نشينان خليج ، كمتر از خيانت به ملت ايران نباشد و ما و ملتهاى مظلوم دنيا مفتخريم كه رسانه هاى گروهى و دستگاههاى تبليغات جهانى ، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنايت و خيانتى كه ابرقدرتهاى جنايتكار دستور مى دهند متهم مى كنند.

كدام افتخار بالاتر و والاتر از اينكه آمريكا با همه ادّعاهايش و همه ساز و برگهاى جنگى اش و آن همه دولتهاى سرسپرده اش و به دست داشتن ثروتهاى بى پايان ملتهاى مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه هاى گروهى در مقابل ملت غيور ايران و كشور حضرت بقية اللّه ارواحنا لمقدمه الفداء آنچنان وامانده و رسوا شده است كه نمى داند به كه متوسل شود و رو به هر كس مى كند جواب رد مى شنود و اين نيست جز به مددهاى غيبى حضرت بارى تعالى جلّت عظمته كه ملت ها را به ويژه ملت ايران اسلامى را بيدار نموده و از ظلمات ستمشاهى به نور اسلام هدايت نمود.

توصيه به ملت ها

من اكنون به ملتهاى شريف ستمديده و به ملت عزيز ايران توصيه مى كنم كه از اين راه مستقيم الهى كه نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر كافر وابسته است بلكه به صراطى كه خداوند به آنها نصيب فرموده است محكم و استوار و متعهد و پايدار پاى بند بوده و لحظه اى از شكر اين نعمت غفلت نكرده و دستهاى ناپاك عمّال ابرقدرتها چه عمّال خارجى و چه عمّال داخلى بدتر از خارجى تزلزلى در نيت پاك و اراده آهنين آنان رخنه نكند و بدانند كه هرچه رسانه هاى گروهى عالم و قدرتهاى شيطانى غرب و شرق اُشتُلُم مى زنند دليل بر قدرت الهى آنان است و خداوند بزرگ سزاى آنان را هم در اين عالم و هم در عوالم ديگر خواهد داد*. انّه وَلىُّ النِّعَمِ وبِيَدِهِ مَلكوتُ كلّ شى ءٍ* و با كمال جد و عجز از ملتهاى مسلمان مى خواهم كه از ائمه اطهار و فرهنگ سياسى ، اجتماعى ، اقتصادى ، نظامى اين بزرگ راه نمايان عالم بشريت به طور شايسته و به جان و دل و جان فشانى و نثار عزيزان پيروى كنند. از آن جمله دست از فقه سنّتى كه بيان گر مكتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است چه احكام اوّليّه و چه ثانويّه كه هردو مكتب فقه اسلامى است ، ذره اى منحرف نشوند و به وسواس خنّاسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمى انحرافى مقدمه سقوط مذهب و احكام اسلامى و حكومت عدل الهى است و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت كه بيانگر سياسى نماز است هرگز غفلت نكنند كه اين نماز جمعه از بزرگترين عنايات حق تعالى بر جمهورى اسلامى ايران است و از آن جمله مراسم عزادارى ائمه اطهار و به ويژه سيد مظلومان و سرور شهيدان حضرت ابى عبداللّه الحسين صلوات وافر الهى و انبياء و ملائكة اللّه وصلحاء برروح بزرگ حماسى او باد هيچگاه غفلت نكنند.

و بدانند آنچه دستور ائمه عليهم السلام براى بزرگداشت اين حماسه تاريخى اسلام است و آنچه لعن و نفرين بر ستمگران آل بيت است تمام فرياد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پيشه در طول تاريخ اِلَى الابد. و مى دانيد كه لعن و نفرين و فرياد از بيداد بنى اميه لعنت اللّه عليهم با آن كه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند فرياد بر سر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن اين فرياد ستم شكن است . و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثيه و اشعار ثناى از ائمه حق عليهم سلام اللّه به طور كوبنده فجايع و ستمگريهاى ستمگران هر عصر و مصر يادآورى شود و در اين عصر كه عصر مظلوميت جهان اسلام به دست آمريكا و شوروى و ساير وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود اين خائنين به حرم بزرگ الهى لعنت اللّه و ملائكته و رسله عليهم است به طور كوبنده يادآورى و لعن و نفرين شود. و همه بايد بدانيم كه آنچه موجب وحدت بين مسلمين است اين مراسم سياسى است كه حافظ مليّت مسلمين به ويژه شيعيان ائمه اثنى عشر عليهم صلوات اللّه وسلم . ( است

و آن چه لازم است تذكر دهم آن است كه وصيّت سياسى الهى اين جانب اختصاص به ملت عظيم الشاءن ايران ندارد بلكه توصيه به جميع ملل اسلامى و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب مى باشد.

از خداوند عزّوجّل عاجزانه خواهانم كه لحظه اى ما و ملت ما را به خود واگذار نكند و از عنايات غيبى خود به اين فرزندان اسلام و رزمندگان عزيز لحظه (اى )دريغ نفرمايد.

روح اللّه الموسوى الخمينى

بسم اللّه الرحمن الرحيم

اهميت انقلاب شكوهمند اسلامى كه دستاورد ميليونها انسان ارزشمند و هزاران شهيد جاويد آن و آسيب ديدگان عزيز، اين شهيدان زنده است و مورد اميد ميليونها مسلمانان و مستضعفان جهان است به قدرى است كه ارزيابى آن از عهده قلم و بيان والاتر و برتر است ، اينجانب روح اللّه موسوى خمينى كه از كرم عظيم خداوند متعال با همه خطايا ماءيوس نيستم و زادراه پرخطرم همان دلبستگى به كرم كريم مطلق است به عنوان يك نفر طلبه حقير كه همچون ديگر برادران ايمانى اميد به اين انقلاب و بقاء دستاوردهاى آن و به ثمر رسيدن هرچه بيشتر آن دارم به عنوان وصيّت به نسل حاضر و نسل هاى عزيز آينده مطالبى هرچند تكرارى عرض مى نمايم و از خداوند بخشاينده مى خواهم كه خلوص نيّت در اين تذكرات عنايت فرمايد.

رمز وقوع انقلاب اسلامى و تحقق پيروزى

1- ما مى دانيم كه اين انقلاب بزرگ كه دست جهان خواران و ستمگران را از ايران بزرگ كوتاه كرد با تاءييدات غيبى الهى پيروز گرديد. اگر نبود دست تواناى خداوند امكان نداشت يك جمعيت سى وشش ميليونى با آن تبليغات ضد اسلامى و ضدروحانى خصوص در اين صدسال اخير و با آن تفرقه افكنيهاى بى حساب قلم داران و زبان مزدان در مطبوعات و سخنرانى ها و مجالس و محافل ضداسلامى و ضد ملى به صورت مليت و آن همه شعرها و بذله گوييها و آن همه مراكز عيّاشى و فحشاء و قمار و مسكرات و مواد مخدره كه همه و همه براى كشيدن نسل جوان فعّال كه بايد در راه پيشرفت و تعالى و ترقى ميهن عزيز خود فعّاليّت نمايند به فساد و بى تفاوتى در پيشامدهاى خائنانه كه به دست شاه فاسد و پدر بى فرهنگش و دولتها و مجالس فرمايشى كه از طرف سفارتخانه هاى قدرتمندان بر ملت تحميل مى شد و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبيرستانها و مراكز آموزشى كه مقدّرات كشور به دست آنان سپرده مى شد با به كار گرفتن معلمان و استادان غرب زده يا شرق زده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامى بلكه ملى صحيح با نام مليت و ملى گرايى گرچه در بين آنان مردانى متعهد و دلسوز بودند لكن با اقليت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان كار مثبتى نمى توانستند انجام دهند و با اين همه و دهها مسائل ديگر از آن جمله به انزوا و عزلت كشيدن روحانيان و با قدرت تبليغات به انحراف فكرى كشيدن بسيارى از آنان ، ممكن نبود اين ملت با اين وضعيت يكپارچه قيام كنند و در سرتاسر كشور با ايده واحد و فرياد اللّه اكبر و فداكاريهاى حيرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهاى داخل و خارج را كنار زده و خود مقدرات كشور را به دست گيرد. بنابراين شك نبايد كرد كه انقلاب اسلامى ايران از همه انقلابها جداست ، هم در پيدايش و هم در كيفيت مبارزه و هم در انگيزه انقلاب و قيام . و ترديد نيست كه اين يك تحفه الهى و هديه غيبى بوده كه از جانب خداوند منّان بر اين ملت مظلوم غارت زده عنايت شده است

2- اسلام و حكومت اسلامى پديده الهى است كه با به كاربستن آن سعادت فرزندان خود را در دنيا و آخرت به بالاترين وجه تاءمين مى كند و قدرت آن دارد كه قلم سرخ بر ستمگريها و چپاول گريها و فسادها و تجاوزها بكشد و انسانها را به كمال مطلوب خود برساند و مكتبى است كه برخلاف مكتبهاى غير توحيدى در تمام شئون فردى و اجتماعى و مادى و معنوى و فرهنگى و سياسى و نظامى و اقتصادى دخالت و نظارت دارد و از هيچ نكته ولو بسيار ناچيز كه در تربيت انسان و جامعه و پيشرفت مادى و معنوى نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشكلات سر راه تكامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها كوشيده است . اينك كه به توفيق و تاءييد خداوند، جمهورى اسلامى با دست تواناى ملت متعهد پايه ريزى شده و آنچه در اين حكومت اسلامى مطرح است اسلام و احكام مترقّى آن است ، بر ملت عظيم الشاءن ايران است كه در تحقق محتواى آن به جميع ابعاد و حفظ و حراست آن بكوشند كه حفظ اسلام در راءس تمام واجبات است ، كه انبياء عظام از آدم عليه السلام تا خاتم النبيين صلى اللّه عليه و آله وسلم در راه آن كوشش و فداكارى جان فرسا نموده اند و هيچ مانعى آنان را از اين فريضه بزرگ باز نداشته و همچنين پس از آنان اصحاب متعهد و ائمّه اسلام عليهم صلوات اللّه با كوششهاى توان فرسا تا حدّ نثار خون خود در حفظ آن كوشيده اند و امروز بر ملّت ايران خصوصا و بر جميع مسلمانان عموما واجب است اين امانت الهى را كه در ايران به طور رسمى اعلام شده و در مدتى كوتاه نتايج عظيمى به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ايجاد مقتضيات بقاء آن و رفع موانع و مشكلات آن كوشش نمايند و اميد است كه پرتو نور آن بر تمام كشورهاى اسلامى تابيدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با يكديگر تفاهم در اين امر حياتى نمايند و دست ابرقدرتهاى عالم خوار و جنايتكاران تاريخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمديدگان جهان كوتاه نمايند.

اينجانب كه نفس هاى آخر عمر را مى كشم به حسب وظيفه ، شطرى از آنچه در حفظ و بقاء اين وديعه الهى دخالت دارد و شطرى از موانع و خطرهايى كه آن را تهديد مى كنند براى نسل حاضر و نسل هاى آينده عرض مى كنم و توفيق و تاءييد همگان را از درگاه پروردگار عالميان خواهانم .

الف: بى ترديد رمز بقاء انقلاب اسلامى همان رمز پيروزى است و رمز پيروزى را ملت مى داند و نسل هاى آينده در تاريخ خواهند خواند كه دو ركن اصلى آن انگيزه الهى و مقصد عالى حكومت اسلامى و اجتماع ملت در سراسر كشور با وحدت كلمه براى همان انگيزه و مقصد.   
اينجانب به همه نسل هاى حاضر و آينده وصيّت مى كنم كه اگر بخواهيد اسلام و حكومت اللّه برقرار باشد، و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از كشورتان قطع شود اين انگيزه الهى را كه خداوند تعالى در قرآن كريم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهيد و در مقابل اين انگيزه كه رمز پيروزى و بقاء آن است ، فراموشى هدف و تفرقه و اختلاف است . بى جهت نيست كه بوقهاى تبليغاتى در سراسر جهان و وليده هاى بومى آنان تمام توان خود را صرف شايعه ها و دروغ هاى تفرقه افكن نموده اند و ميلياردها دلار براى آن صرف مى كنند. بى انگيزه نيست سفرهاى دائمى مخالفان جمهورى اسلامى به منطقه ومع الا سف در بين آنان از سردمداران و حكومتهاى بعض كشورهاى اسلامى كه جز به منافع شخص خود فكر نمى كنند و چشم و گوش بسته تسليم آمريكا هستند ديده مى شود و بعض از روحانى نماها نيز به آنان ملحقند. امروز و در آتيه نيز آنچه براى ملت ايران و مسلمانان جهان بايد مطرح باشد و اهميّت آن را در نظر گيرند، خنثى كردن تبليغات تفرقه افكن خانه برانداز است . توصيه اينجانب به مسلمين و خصوص ايرانيان به ويژه در عصر حاضر آن است كه در مقابل اين توطئه ها عكس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هر راه ممكن افزايش ‍ دهند و كفّار و منافقان را ماءيوس نمايند.   
توطئه بزرگ قرن

ب :از توطئه هاى مهمى كه در قرن اخير، خصوصا در دهه هاى معاصر و به ويژه پس از پيروزى انقلاب آشكارا به چشم مى خورد، تبليغات دامنه دار با ابعاد مختلف براى ماءيوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداكار ايران از اسلام است ، گاهى ناشيانه و با صراحت به اينكه احكام اسلام كه هزاروچهارصد سال قبل وضع شده است نمى تواند در عصر حاضر كشورها را اداره كند يا آنكه اسلام يك دين ارتجاعى است و با هر نوآورى و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمى شود كشورها از تمدن جهانى و مظاهر آن كناره گيرند و امثال اين تبليغات ابلهانه و گاهى موذيانه و شيطنت آميز به گونه طرفدارى از قداست اسلام كه اسلام و ديگر اديان الهى سر و كار دارند با معنويات و تهذيب نفوس و تحذير از مقامات دنيايى و دعوت به ترك دنيا و اشتغال به عبادات و اذكار و ادعيه كه انسان را به خداى تعالى نزديك و از دنيا دور مى كند و حكومت و سياست و سررشته دارى بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوى است چه اينها تمام براى تعمير دنيا است و آن مخالف مسلك انبياء عظام است و مع الا سف تبليغ به وجه دوم در بعض از روحانيان و متديّنان بى خبر از اسلام تاءثير گذاشته كه حتى دخالت در حكومت و سياست را به مثابه يك گناه و فسق مى دانستند و شايد بعضى بدانند و اين فاجعه بزرگى است كه اسلام مبتلاى به آن بود. گروه اول كه بايد گفت از حكومت و قانون و سياست يا اطلاع ندارند يا غرضمندانه خود را به بى اطلاعى مى زنند زيرا اجراء قوانين بر معيار قسط و عدل و جلوگيرى از ستمگرى و حكومت جائرانه و بسط عدالت فردى و اجتماعى و منع از فساد و فحشاء و انواع كجروى ها و آزادى بر معيار عقل و عدل و استقلال و خودكفايى و جلوگيرى از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزيرات بر ميزان عدل براى جلوگيرى از فساد و تباهى يك جامعه و سياست و راه بردن جامعه به موازين عقل و عدل و انصاف و صدها از اين قبيل ، چيزهايى نيست كه با مرور زمان در طول تاريخ بشر و زندگى اجتماعى كهنه شود. اين دعوى به مثابه آن است كه گفته شود قواعد عقلى و رياضى در قرن حاضر بايد عوض شود و به جاى آن قواعد ديگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت ، عدالت اجتماعى بايد جارى شود و از ستمگرى و چپاول و قتل بايد جلوگيرى شود، امروز چون قرن اتم است آن روش كهنه شده و ادعاى آنكه اسلام با نوآوردها مخالف است همان سان كه محمدرضا پهلوى مخلوع مى گفت كه اينان مى خواهند با چارپايان در اين عصر سفر كنند، يك اتهام ابلهانه بيش نيست . زيرا اگر مراد از مظاهر تمدّن و نوآوردها، اختراعات و ابتكارات و صنعتهاى پيشرفته كه در پيشرفت و تمدّن بشر دخالت دارد، هيچگاه اسلام و هيچ مذهب توحيدى با آن مخالفت نكرده و نخواهد كرد بلكه علم و صنعت مورد تاءكيد اسلام و قرآن مجيد است و اگر مراد از تجدّد و تمدّن به آن معنى است كه بعضى روشنفكران حرفه اى مى گويند كه آزادى در تمام منكرات و فحشاء حتى هم جنس بازى و از اين قبيل ، تمام اديان آسمانى و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق زدگان به تقليد كوركورانه آن را ترويج مى كنند. و اما طايفه دوم كه نقشه موذيانه دارند و اسلام را از حكومت و سياست جدا مى دانند بايد به اين نادانان گفت كه قرآن كريم و سنّت رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله آن قدر كه در حكومت و سياست احكام دارند در ساير چيزها ندارند بلكه بسيار از احكام عبادى اسلام ، عبادى سياسى است كه غفلت از آنها اين مصيبتها را به بار آورده . پيغمبر اسلام (ص ) تشكيل حكومت داد مثل ساير حكومتهاى جهان لكن با انگيزه بسط عدالت اجتماعى و خلفاء اول اسلامى حكومتهاى وسيع داشته اند و حكومت على بن ابى طالب عليه السلام نيز با همان انگيزه به طور وسيع تر و گسترده تر از واضحات تاريخ است و پس از آن به تدريج حكومت به اسم اسلام بوده و اكنون نيز مدّعيان حكومت اسلامى به پيروى از اسلام و رسول اكرم صلى اللّه عليه و آله بسيارند.

اينجانب در اين وصيّت نامه با اشاره مى گذرم ولى اميد آن دارم كه نويسندگان و جامعه شناسان و تاريخ ‌نويسان ، مسلمانان را از اين اشتباه بيرون آورند. و آنچه گفته شده و مى شود كه انبياء عليهم السلام به معنويات كار دارند و حكومت و سررشته دارى دنيايى مطرود است و انبياء و اولياء و بزرگان از آن احتراز مى كردند و ما نيز بايد چنين كنيم ، اشتباه تاءسف آورى است كه نتايج آن به تباهى كشيدن ملتهاى اسلامى و باز كردن راه براى استعمارگران خونخوار است زيرا آنچه مردود است حكومتهاى شيطانى و ديكتاتورى و ستمگرى است كه براى سلطه جويى و انگيزه هاى منحرف و دنيايى كه از آن تحذير نموده اند جمع آورى ثروت و مال و قدرت طلبى و طاغوت گرايى است و بالاخره دنيايى است كه انسان را از حق تعالى غافل كند. و اما حكومت حق براى نفع مستضعفان و جلوگيرى از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعى همان است كه مثل سليمان بن داوود و پيامبر عظيم الشّاءن اسلام صلى اللّه عليه و آله و اوصياء بزرگوارش براى آن كوشش مى كردند از بزرگترين واجبات و اقامه آن از والاترين عبادات است ، چنانچه سياست سالم كه در اين حكومتها بوده از امور لازمه است . بايد ملت بيدار و هشيار ايران با ديد اسلامى اين توطئه ها را خنثى نمايند و گويندگان و نويسندگان متعهّد به كمك ملت برخيزند و دست شياطين توطئه گر را قطع نمايند.

مقايسه عملكرد انقلاب اسلامى با ساير انقلاب ها

ج :و از همين قماش توطئه ها و شايد موذيانه تر شايعه هاى وسيع در سطح كشور و در شهرستانها بيشتر بر اينكه جمهورى اسلامى هم كارى براى مردم انجام نداد. بيچاره مردم با آن شوق و شعف فداكارى كردند كه از رژيم ظالمانه طاغوت رهايى يابند، گرفتار يك رژيم بدتر شدند، مستكبران مستكبرتر و مستضعفان مستضعف تر شدند زندان ها پر از جوانان كه اميد آتيه كشور است مى باشد و شكنجه ها از رژيم سابق بدتر و غير انسانى تر است ، هر روز عدّه اى را اعدام مى كنند به اسم اسلام ، و اى كاش اسم اسلام روى اين جمهورى نمى گذاشتند اين زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانى سرسام آور غوطه مى خورند و سردمداران دارند اين رژيم را به رژيمى كمونيستى هدايت مى كنند، اموال مردم مصادره مى شود و آزادى در هرچيز از ملت سلب شده و بسيارى ديگر از اين قبيل امور كه با نقشه اجراء مى شود و دليل آنكه نقشه و توطئه در كار است آنكه هرچند روز يك امر در هر گوشه و كنار و در هر كوى و برزن سر زبان ها مى افتد. در تاكسى ها همين مطلب واحد و در اتوبوسها نيز همين و در اجتماعات چند نفره باز همين صحبت مى شود و يكى كه قدرى كهنه شد يكى ديگر معروف مى شود و مع الا سف بعض روحانيون كه از حيله هاى شيطانى بى خبرند با تماس يكى دو نفر از عوامل توطئه گمان مى كنند مطلب همان است و اساس مسئله آن است كه بسيارى از آنان كه اين مسائل را مى شنوند و باور مى كنند اطلاع از وضع دنيا و انقلابهاى جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتارى هاى عظيم اجتناب ناپذير آن ندارند. چنانچه اطلاع صحيح از تحولاتى كه همه به سود اسلام است ندارند و چشم بسته و بى خبر امثال اين مطالب را شنيده و خود نيز با غفلت يا عمد به آنان پيوسته اند.

اينجانب توصيه مى كنم كه قبل از مطالعه وضعيت كنونى جهان و مقايسه بين انقلاب اسلامى ايران با ساير انقلابات و قبل از آشنايى با وضعيت كشورها و ملتهايى كه در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه مى گذشته است و قبل از توجه به گرفتارى هاى اين كشور طاغوت زده از ناحيه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا كه در طول چپاولگرى هايشان براى اين دولت به ارث گذاشته اند، از وابستگى هاى عظيم خانمان سوز تا اوضاع وزارتخانه ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراكز عيّاشى و مغازه هاى مسكرات فروشى و ايجاد بى بندوبارى در تمام شئون زندگى و اوضاع تعليم و تربيت و اوضاع دبيرستان ها و دانشگاه ها و اوضاع سينماها و عشرتكده ها و وضعيت جوان ها و زنها و وضعيت روحانيون و متديّنين و آزادى خواهان متعهّد و بانوان عفيف ستمديده و مساجد در زمان طاغوت و رسيدگى به پرونده اعدام شدگان و محكومان به حبس و رسيدگى به زندان ها و كيفيت عملكرد متصديان و رسيدگى به مال سرمايه داران و زمين خواران بزرگ و محتكران و گران فروشان و رسيدگى به دادگسترى ها و دادگاه هاى انقلاب و مقايسه با وضع سابق دادگسترى و قضات و رسيدگى به حال نمايندگان مجلس شوراى اسلامى و اعضاء دولت و استاندارها و ساير ماءمورين كه در اين زمان آمده اند و مقايسه با زمان سابق و رسيدگى به عملكرد دولت و جهاد سازندگى در روستاهاى محروم از همه مواهب حتى آب آشاميدنى و درمانگاه و مقايسه با طول رژيم سابق با در نظر گرفتن گرفتارى به جنگ تحميلى و پيامدهاى آن از قبيل آوارگان ميليونى و خانواده هاى شهدا و آسيب ديدگان در جنگ و آوارگان ميليونى افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادى و توطئه هاى پى در پى آمريكا و وابستگان خارج و داخلش ، اضافه كنيد فقدان مُبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتياج و قاضى شرع و هرج و مرج هايى كه از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتى دوستان نادان در دست اجرا است و ده ها مسائل ديگر. تقاضا اين است كه قبل از آشنايى به مسائل به اشكال تراشى و انتقاد كوبنده و فحاشى برنخيزيد و به حال اين اسلام غريب كه پس از صدها سال ستمگرى قلدرها و جهل توده ها امروز طفلى تازه پا و وليده اى است محفوف به دشمن هاى خارج و داخل رحم كنيد و شما اشكال تراشان به فكر بنشينيد كه آيا بهتر نيست به جاى سركوبى به اصلاح و كمك بكوشيد و به جاى طرفدارى از منافقان و ستم گران و سرمايه داران و محتكران بى انصاف از خدا بى خبر، طرفدار مظلومان و ستمديدگان و محرومان باشيد و به جاى گروه هاى آشوب گر و تروريستهاى مفسد و طرفدارى غير مستقيم از آنان توجهى به ترورشدگان از روحانيون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشيد.   
اينجانب هيچگاه نگفته و نمى گويم كه امروز در اين جمهورى به اسلام بزرگ با همه ابعادش ‍ عمل مى شود و اشخاصى از روى جهالت و عقده و بى انضباطى برخلاف مقررات اسلام عمل نمى كنند، لكن عرض مى كنم كه قوّه مقنّنه و قضائيه و اجرائيه با زحمات جان فرسا كوشش ‍ در اسلامى كردن اين كشور مى كنند و ملت ده ها ميليونى نيز طرفدار و مددكار آنان هستند و اگر اين اقليّت اشكال تراش و كارشكن به كمك بشتابند تحقق اين آمال آسان تر و سريع تر خواهد بود و اگر خداى نخواسته اينان به خود نيايند، چون توده ميليونى بيدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمال انسانى اسلامى به خواست خداوند متعال جامعه عمل به طور چشم گير خواهد پوشيد و كجروان و اشكال تراشان در مقابل اين سيل خروشان نخواهند توانست مقاومت كنند.

برترى ملت ايران در عصر حاضر

من با جراءت مدّعى هستم كه ملت ايران و توده ميليونى آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله و كوفه و عراق در عهد اميرالمؤ منين و حسين بن على صلوات اللّه و سلامه عليهما مى باشند. آن حجاز كه در عهد رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله مسلمانان نيز اطاعت از ايشان نمى كردند و با بهانه هايى به جبهه نمى رفتند كه خداوند تعالى در سوره توبه با آياتى آنها را توبيخ فرموده و وعده عذاب داده است . و آن قدر به ايشان دروغ بستند كه به حسب نقل در منبر به آنان نفرين فرمودند و آن اهل عراق و كوفه كه با اميرالمؤ منين آنقدر بدرفتارى كردند و از اطاعتش سرباز زدند كه شكايات آن حضرت از آنان در كتب نقل و تاريخ معروف است ، و آن مسلمانان عراق و كوفه كه با سيدالشهداء عليه السلام آن شد كه شد و آنان كه در شهادت دست آلوده نكردند يا گريختند از معركه و يا نشستند تا آن جنايت تاريخ واقع شد. امّا امروز مى بينيم كه ملت ايران از قواى مسلح نظامى و انتظامى و سپاه و بسيج تا قواى مردمى از عشاير و داوطلبان و از قواى در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها با كمال شوق و اشتياق چه فداكاريها مى كنند و چه حماسه ها مى آفرينند. و مى بينيم كه مردم محترم سراسر كشور چه كمكهاى ارزنده مى كنند. و مى بينيم كه بازماندگان شهدا و آسيب ديدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره هاى حماسه آفرين و گفتار و كردارى مشتاقانه و اطمينان بخش با ما و شما روبرو مى شوند و اينها همه از عشق و علاقه و ايمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حيات جاويدان . در صورتى كه نه در محضر مبارك رسول اكرم صلّى اللّه عليه و آله هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات اللّه عليه. و انگيزه آنان ايمان و اطمينان به غيب است . و اين رمز موفقيت و پيروزى در ابعاد مختلف است و اسلام بايد افتخار كند كه چنين فرزندانى تربيت نموده و ما همه مفتخريم كه در چنين عصرى و در پيشگاه چنين ملتى مى باشيم .

نصيحت به مخالفان نظام

و اينجانب در اينجا يك وصيّت به اشخاصى كه به انگيزه مختلف با جمهورى اسلامى مخالفت مى كنند و به جوانان چه دختران و چه پسرانى كه مورد بهره بردارى منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده اند مى نمايم كه بى طرفانه و با فكر آزاد به قضاوت بنشينيد و تبليغات آنان كه مى خواهند جمهورى اسلامى ساقط شود و كيفيت عمل آنان و رفتارشان با توده هاى محروم و گروه ها و دولتهايى كه از آنان پشتيبانى كرده و مى كنند و گروه ها و اشخاصى كه در داخل به آنان پيوسته و از آنان پشتيبانى مى كنند و اخلاق و رفتارشان در بين خود و هوادارانشان و تغيير موضعهايشان در پيشامدهاى مختلف را با دقت و بدون هواى نفس بررسى كنيد، و مطالعه كنيد حالات آنان كه در اين جمهورى اسلامى به دست منافقان و منحرفان شهيد شدند، و ارزيابى كنيد بين آنان و دشمنانشان ، نوارهاى اين شهيدان تا حدى در دست و نوارهاى مخالفان شايد در دست شماها باشد. ببينيد كدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران ! شما اين اوراق را قبل از مرگ من نمى خوانيد. ممكن است پس از من بخوانيد در آن وقت من نزد شما نيستم كه بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان براى كسب مقام و قدرتى با قلب هاى جوان شما بازى كنم . من براى آنكه شما جوانان شايسته اى هستيد علاقه دارم كه جوانى خود را در راه خداوند و اسلام عزيز و جمهورى اسلامى صرف كنيد، تا سعادت هر دوجهان را دريابيد. و از خداوند غفور مى خواهم كه شما را به راه مستقيم انسانيت هدايت كند و از گذشته ما و شما با رحمت واسعه خود بگذرد. شماها نيز در خلوتها از خداوند همين را بخواهيد، كه او هادى و رحمن است .   
و يك وصيّت به ملت شريف ايران و ساير ملتهاى مبتلا به حكومتهاى فاسد و دربند قدرتهاى بزرگ مى كنم:

توصيه به ملت ايران و ملت هاى مسلمان

اما به ملت عزيز ايران توصيه مى كنم كه نعمتى كه با جهاد عظيم خودتان و خون جوانان برومندتان به دست آورديد همچون عزيزترين امور قدرش را بدانيد و از آن حفاظت و پاسدارى نماييد و در راه آن كه نعمتى عظيم الهى و امانت بزرگ خداوندى است كوشش ‍ كنيد و از مشكلاتى كه در اين صراط مستقيم پيش مى آيد نهراسيد كه *اِنْ تَنْصُرُوا اللّه يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ اَقْدامَكُمْ* و در مشكلات دولت جمهورى اسلامى با جان و دل شريك و در رفع آنها كوشا باشيد و دولت و مجلس را از خود بدانيد و چون محبوبى گرامى از آن نگهدارى كنيد. و به مجلس و دولت و دست اندركاران توصيه مى نمايم كه قدر اين ملت را بدانيد و در خدمتگزارى به آنان خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمديدگان كه نور چشمان ما و اولياء نعم همه هستند و جمهورى اسلامى ره آورد آنان و با فداكارى هاى آنان تحقق پيدا كرد و بقاء آن نيز مرهون خدمات آنان است ، فروگزار نكنيد و خود را از مردم و آنان را از خود بدانيد و حكومت هاى طاغوتى را كه چپاولگرانى بى فرهنگ و زورگويانى تهى مغز بودند و هستند را هميشه محكوم نماييد. البته با اعمال انسانى كه شايسته براى يك حكومت اسلامى است .   
و اما به ملتهاى اسلامى توصيه مى كنم كه از حكومت جمهورى اسلامى و از ملت مجاهد ايران الگو بگيريد و حكومتهاى جائر خود را در صورتى كه به خواست ملتها كه خواست ملت ايران است سرفرود نياوردند، با تمام قدرت به جاى خود بنشانيد كه مايه بدبختى مسلمانان ، حكومتهاى وابسته به شرق و غرب مى باشند و اكيدا توصيه مى كنم كه به بوقهاى تبليغاتى مخالفان اسلام و جمهورى اسلامى گوش فرا ندهيد كه همه كوشش دارند كه اسلام را از صحنه بيرون كنند كه منافع ابرقدرتها تاءمين شود

توطئه جدائى دانشگاه و حوزه

د:از نقشه هاى شيطانى قدرتهاى بزرگ استعمار و استثمارگر كه سالهاى طولانى در دست اجرا است و در كشور ايران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهاى مختلف دنباله گيرى شد، به انزوا كشاندن روحانيت است كه در زمان رضاخان با فشار و سركوبى و خلع لباس و حبس و تبعيد و هتك حرمات و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش هاى ديگر كه يكى از آنها ايجاد عداوت بين دانشگاهيان و روحانيان بود، كه تبليغات وسيعى در اين زمينه شد و مع الاسف به واسطه بى خبرى هردو قشر از توطئه شيطانى ابرقدرتها نتيجه چشم گيرى گرفته شد. از يك طرف از دبستانها تا دانشگاهها كوشش شد كه معلمان و دبيران و اساتيد و رؤ ساى دانشگاهها از بين غرب زدگان يا شرق زدگان و منحرفان از اسلام و ساير اديان انتخاب و به كار گماشته شوند و متعهدان مؤ من در اقليّت قرار گيرند كه قشر مؤ ثر را كه در آتيه حكومت را به دست مى گيرند، از كودكى تا نوجوانى و تا جوانى طورى تربيت كنند كه از اديان مطلقا و اسلام بخصوص و از وابستگان به اديان خصوصا روحانيون و مبلغان متنفر باشند. و اينان را عمّال انگليس در آن زمان و طرفدار سرمايه داران و زمين خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالى در بعد از آن معرّفى مى نمودند. و از طرف ديگر با تبليغات سوء، روحانيون و مبلغان و متدينان را از دانشگاه و دانشگاهيان ترسانيده و همه را به بى دينى و بى بندوبارى و مخالف با مظاهر اسلام و اديان متهم مى نمودند. نتيجه آن كه دولتمردان مخالف اديان و اسلام و روحانيون و متدينان باشند و توده هاى مردم كه علاقه به دين و روحانى دارند مخالف دولت و حكومت و هرچه متعلق به آن است باشند و اختلاف عميق بين دولت و ملت و دانشگاهى و روحانى راه را براى چپاولگران آنچنان باز كند كه تمام شئون كشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخاير ملت در جيب آنان سرازير شود چنانچه ديديد به سر اين ملت مظلوم چه آمد و مى رفت كه چه آيد. اكنون كه به خواست خداوند متعال و مجاهدت -ملت از روحانى و دانشگاهى تا بازارى و كارگر و كشاورز و ساير قشرها-بند اسارت را پاره و سدّ قدرت ابرقدرتها را شكستند و كشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصيه اينجانب آن است كه نسل حاضر و آينده غفلت نكنند و دانشگاهيان و جوانان برومند عزيز هرچه بيشتر با روحانيان و طلاب علوم اسلامى پيوند دوستى و تفاهم را محكمتر و استوارتر سازند و از نقشه ها و توطئه هاى دشمن غدّار غافل نباشند و به مجرد آنكه فرد يا افرادى را ديدند كه با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بين آنان افكند او را ارشاد و نصيحت نمايند و اگر تاءثير نكرد از او روگردان شوند و او را به انزوا كشانند و نگذارند توطئه ريشه دواند كه سرچشمه را به آسانى مى توان گرفت و مخصوصا اگر در اساتيد كسى پيدا شد كه مى خواهد انحراف ايجاد كند او را ارشاد و اگر نشد از خود و كلاس خود طرد كنند. و اين توصيه بيشتر متوجه روحانيون و محصلين علوم دينى است و توطئه ها در دانشگاهها از عمق ويژه اى برخوردار است و هر قشر محترم كه مغز متفكر جامعه هستند بايد مواظب توطئه ها باشند.

بليّه غرب زدگى و شرق زدگى

ه :از جمله نقشه ها كه مع الا سف تاءثير بزرگى در كشورها و كشور عزيزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زيادى به جا مانده بيگانه نمودن كشورهاى استعمارزده از خويش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طورى كه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هيچ گرفتند و غرب و شرق ، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگى به يكى از دو قطب را از فرائض غير قابل اجتناب معرفى نمودند. و قصه اين امر غم انگيز طولانى و ضربه هايى كه از آن خورده و اكنون نيز مى خوريم كشنده و كوبنده است . و غم انگيزتر اينكه آنان ملتهاى ستم ديده زير سلطه را در همه چيز عقب نگه داشته و كشورهايى مصرفى بار آوردند و به قدرى ما را از پيشرفتهاى خود و قدرتهاى شيطانيشان ترسانيده اند كه جراءت دست زدن به هيچ ابتكارى نداريم و همه چيز خود را تسليم آنان كرده و سرنوشت خود و كشورهاى خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش ‍ بسته مطيع فرمان هستيم و اين پوچى و تهى مغزى مصنوعى موجب شده كه در هيچ امرى به فكر و دانش خود اتكاء نكنيم و كوركورانه از شرق و غرب تقليد نماييم بلكه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتكار اگر داشتيم ، نويسندگان و گويندگان غرب و شرق زده بى فرهنگ ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فكر و قدرت بومى ما را سركوب و ماءيوس نموده و مى نمايند و رسوم و آداب اجنبى را هرچند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترويج كرده و با مداحى و ثناجويى آنها را به خورد ملتها داده و مى دهند. فى المثل اگر در كتاب يا نوشته يا گفتارى چندواژه فرنگى باشد بدون توجه به محتواى آن با اعجاب پذيرفته و گوينده و نويسنده آن را دانشمند و روشنفكر به حساب مى آورند و از گهواره تا قبر به هرچه بنگريم اگر با واژه غربى و شرقى اسم گذارى شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پيشرفتگى محسوب و اگر واژه هاى بومى خودى به كار رود مطرود و كهنه و واپس زده خواهد بود. كودكان ما اگر نام غربى داشته باشند مفتخر و اگر نام خودى دارند سربه زير و عقب افتاده اند. خيابانها، كوچه ها، مغازه ها، شركتها، داروخانه ها، كتابخانه ها، پارچه ها و ديگر متاعها هرچند در داخل تهيه شده بايد نام خارجى داشته باشد تا مردم از آن راضى و به آن اقبال كنند. فرنگى ماَّبى از سرتا پا و در تمام نشست و برخاست ها و در معاشرتها و تمام شئون زندگى موجب افتخار و سربلندى و تمدن و پيشرفت ، و در مقابل آداب و رسوم خودى ، كهنه پرستى و عقب افتادگى است . در هر مرض و كسالتى ولو جزيى و قابل علاج در داخل بايد به خارج رفت و دكترها و اطبّاء دانشمند خود را محكوم و ماءيوس كرد.   
رفتن به انگلستان و فرانسه و آمريكا و مسكو افتخارى پرارزش و رفتن به حج و ساير اماكن متبرّكه كهنه پرستى و عقب ماندگى است . بى اعتنايى به آنچه مربوط به مذهب و معنويات است از نشانه هاى روشنفكرى و تمدن ، و در مقابل تعهد به اين امور نشانه عقب ماندگى و كهنه پرستى است . اينجانب نمى گويم ما خود همه چيز داريم . معلوم است ما را در طول تاريخ نه چندان دور خصوصا و در سده هاى اخير از هر پيشرفتى محروم كرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوى خصوصا و مراكز تبليغاتى عليه دستاوردهاى خودى و نيز خود كوچك ديدنها و يا ناچيز ديدنها، ما را از هر فعاليتى براى پيشرفت محروم كرد. وارد كردن كالاها از هر قماش و سرگرم كردن بانوان و مردان خصوصا طبقه جوان به اقسام اجناس ‍ وارداتى از قبيل ابزار آرايش و تزئينات و تجملات و بازى هاى كودكانه و به مسابقه كشاندن خانواده ها و مصرفى بار آوردن هرچه بيشتر كه خود داستان هاى غم انگيز دارد و سرگرم كردن و به تباهى كشاندن جوان ها كه عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراكز فحشاء و عشرتكده ها و دهها از اين مصائب حساب شده براى عقب نگه داشتن كشورهاست .   
ضرورت تكيه بر متخصصين داخلى

من وصيّت دلسوزانه و خادمانه مى كنم به ملت عزيز كه اكنون كه تا حدود بسيار چشم گيرى از بسيارى از اين دام ها نجات يافته و نسل محروم حاضر به فعاليت و ابتكار برخاسته و ديديم كه بسيارى از كارخانه ها و وسايل پيشرفته مثل هواپيماها و ديگر چيزها كه گمان نمى رفت متخصصين ايران قادر به راه انداختن كارخانه ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوى غرب يا شرق دراز كرده بوديم كه متخصصين آنان اينها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادى و جنگ تحميلى خود جوانان عزيز ما قطعات محل احتياج را ساخته و با قيمتهاى ارزان تر عرضه كرده و رفع احتياج نمودند و ثابت كردند كه اگر بخواهيم مى توانيم

بايد هشيار و بيدار و مراقب باشيد كه سياست بازان پيوسته به غرب و شرق با وسوسه هاى شيطانى شما را به سوى اين چپاولگران بين المللى نكشند و با اراده مصمم و فعاليت و پشتكار خود به رفع وابستگيها قيام كنيد و بدانيد كه نژاد آريا و عرب از نژاد اروپا و آمريكا و شوروى كم ندارد و اگر خودىِ خود را بيابد و ياءس را از خود دور كند و چشم داشت به غير خود نداشته باشد، در دراز مدت قدرت همه كار و ساختن همه چيز را دارد و آنچه انسان هاى شبيه به اينان به آن رسيده اند شما هم خواهيد رسيد به شرط اتكال به خداوند تعالى و اتكاء به نفس و قطع وابستگى به ديگران و تحمل سختى ها براى رسيدن به زندگى شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب ، و بر دولتها و دست اندركاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل هاى آينده كه از متخصصين خود قدردانى كنند و آنان را با كمكهاى مادى و معنوى تشويق به كار نمايند و از ورود كالاهاى مصرف ساز و خانه برانداز جلوگيرى نمايند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چيز بسازند و از جوانان ، دختران و پسران مى خواهم كه استقلال و آزادى و ارزشهاى انسانى را ولو با تحمل زحمت و رنج فداى تجملات و عشرتها و بى بندوبارى ها و حضور در مراكز فحشاء كه از طرف غرب و عمّال بى وطن به شما عرضه مى شود، نكنند؛ كه آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهى شما و اغفالتان از سرنوشت كشورتان و چاپيدن ذخاير شما و به بند استعمار و ننگ وابستگى كشيدنتان و مصرفى نمودن ملت و كشورتان به چيز ديگر فكر نمى كنند و مى خواهند با اين وسايل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نيمه وحشى نگهدارند.

سرمايه گذارى دشمنان در مراكز تعليم و تربيت

و: از توطئه هاى بزرگ آنان چنانچه اشاره شد و كرارا تذكر داده ام ، به دست گرفتن مراكز تعليم و تربيت خصوصا دانشگاهها است كه مقدرات كشورها در دست محصولات آنها است . روش ‍ آنان با روحانيون و مدارس علوم اسلامى فرق دارد با روشى كه در دانشگاهها و دبيرستان ها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانيون از سر راه و منزوى كردن آنان است يا با سركوبى و خشونت و هتاكى كه در زمان رضاخان عمل شد، ولى نتيجه معكوس گرفته شد، يا با تبليغات و تهمتها و نقشه هاى شيطانى براى جدا كردن قشر تحصيل كرده و به اصطلاح روشنفكر كه اين هم در زمان رضاخان عمل مى شد و در رديف فشار و سركوبى بود و در زمان محمدرضا ادامه يافت بدون خشونت ولى موذيانه . و اما در دانشگاه ، نقشه آن است كه جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهاى خودى منحرف كنند و به سوى شرق يا غرب بكشانند و دولتمردان را از بين اينان انتخاب و بر سرنوشت كشورها حكومت دهند تا به دست آنها هرچه مى خواهند انجام دهند. اينان كشور را به غارت زدگى و غرب زدگى بكشانند و قشر روحانى با انزوا و منفوريت و شكست قادر بر جلوگيرى نباشد. و اين بهترين راه است براى عقب نگه داشتن و غارت كردن كشورهاى تحت سلطه ، زيرا براى ابرقدرتها بى زحمت و بى خرج و در جوامع ملى بى سروصدا هرچه هست به جيب آنان مى ريزد. پس اكنون كه دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاكسازى است برهمه ما لازم است با متصديان كمك كنيم و براى هميشه نگذاريم دانشگاهها به انحراف كشيده شود و هرجا انحرافى به چشم خورد با اقدام سريع به رفع آن كوشيم و اين امر حياتى بايد در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گيرد كه نجات دانشگاه از انحراف ، نجات كشور و ملت است

و اينجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم و به دولتمردان و روشنفكران دلسوز براى كشور در مرحله بعد وصيّت مى كنم كه در اين امر مهم كه كشورتان را از آسيب نگه مى دارد با جان و دل كوشش كنيد و دانشگاهها را به نسل بعد بسپريد. و به همه نسل هاى مسلسل توصيه مى كنم كه براى نجات خود و كشور عزيز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق زدگى حفظ و پاسدارى كنيد و با اين عمل انسانى اسلامى خود دست قدرتهاى بزرگ را از كشور قطع و آنان را نا اميد نماييد. خدايتان پشتيبان و نگهدار باد.

لزوم تعهد وكلاى مجلس شوراى اسلامى ، خبرگان و شوراى نگهبان

ز: از مهمات امور تعهّد وكلاى مجلس شوراى اسلامى است . ما ديديم كه اسلام و كشور ايران چه صدمات بسيار غم انگيزى از مجلس شوراى غير صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژيم جنايتكار پهلوى و از هر زمان بدتر و خطرناكتر در اين رژيم تحميلى فاسد خورد و چه مصيبت ها و خسارت هاى جان فرسا از اين جنايتكاران بى ارزش و نوكرماَّب به كشور و ملت وارد شد. در اين پنجاه سال يك اكثريت قلابى منحرف در مقابل يك اقليت مظلوم موجب شد كه هرچه انگلستان و شوروى و اخيرا آمريكا خواستند با دست همين منحرفان از خدا بى خبر انجام دهند و كشور را به تباهى و نيستى كشانند. از بعد از مشروطه هيچگاه تقريبا به مواد مهم قانون اساسى عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدّى غرب زدگان و مشتى خان و زمين خواران و در زمان رژيم پهلوى به دست آن رژيم سفاك و وابستگان و حلقه به گوشان آن اكنون كه با عنايت پروردگار و همت ملت عظيم الشاءن سرنوشت كشور به دست مردم افتاد و وكلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان هاى ولايات به مجلس ‍ شوراى اسلامى راه يافتند و اميد است كه با تعهد آنان به اسلام و مصالح كشور جلوگيرى از هر انحراف بشود.   
وصيّت اينجانب به ملّت در حال و آتيه آن است كه با اراده مصمم خود و تعهد خود به احكام اسلام و مصالح كشور در هر دوره از انتخابات وكلاى داراى تعهد به اسلام و جمهورى اسلامى كه غالبا بين متوسطين جامعه و محرومين مى باشند و غير منحرف از صراط مستقيم به سوى غرب يا شرق و بدون گرايش به مكتبهاى انحرافى و اشخاص تحصيل كرده و مطلع بر مسائل روز و سياستهاى اسلامى به مجلس بفرستند و به جامعه محترم روحانيت خصوصا مراجع معظم وصيّت مى كنم كه خود را از مسائل جامعه خصوصا مثل انتخاب رييس جمهور و وكلاى مجلس كنار نكشند و بى تفاوت نباشند. همه ديديد و نسل آتيه خواهد شنيد كه دست سياست بازان پيرو شرق و غرب ، روحانيون را كه اساس مشروطيت را با زحمات و رنج ها بنيان گذاشتند از صحنه خارج كردند و روحانيون نيز بازى سياست بازان را خورده و دخالت در امور كشور و مسلمين را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غرب زدگان سپردند و به سر مشروطيت و قانون اساسى و كشور و اسلام آن آوردند كه جبرانش احتياج به زمان طولانى دارد.

اكنون كه به حمداللّه تعالى موانع رفع گرديده و فضاى آزاد براى دخالت همه طبقات پيش ‍ آمده است ، هيچ عذرى باقى نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنى ، مسامحه در امر مسلمين است . هركس به مقدار توانش و حيطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و ميهن باشد و با جديّت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب يا شرق زدگان و منحرفان از مكتب بزرگ اسلام جلوگيرى نمايند و بدانند كه مخالفين اسلام و كشورهاى اسلامى كه همان ابرقدرتان چپاولگر بين المللى هستند با تدريج و ظرافت در كشور ما و كشورهاى اسلامى ديگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، كشورها را به دام استثمار مى كشانند. بايد با هوشيارى مراقب باشيد و با احساس اولين قدم نفوذى به مقابله برخيزيد و به آنان مهلت ندهيد. خدايتان يار و نگهدار باشد.  
و از نمايندگان مجلس شوراى اسلامى در اين عصر و عصرهاى آينده مى خواهم كه اگر خداى نخواسته عناصر منحرفى با دسيسه و بازى سياسى وكالت خود را به مردم تحميل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد كنند و نگذارند حتى يك عنصر خرابكار وابسته به مجلس راه يابد و به اقليتهاى مذهبى رسمى وصيّت مى كنم كه از دوره هاى رژيم پهلوى عبرت بگيرند و وكلاى خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهورى اسلامى و غير وابسته به قدرتهاى جهان خوار و بدون گرايش به مكتبهاى الحادى و انحرافى و التقاتى انتخاب نمايند. و از همه نمايندگان خواستارم كه با كمال حسن نيت و برادرى با هم مجلسان خود رفتار و همه كوشا باشند كه قوانين خداى نخواسته از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احكام آسمانى آن وفادار باشيد تا به سعادت دنيا و آخرت نايل آييد. و از شوراى محترم نگهبان مى خواهم و توصيه مى كنم چه درنسل حاضر و چه در نسل هاى آينده ، كه با كمال دقت و قدرت وظايف اسلامى و ملى خود را ايفاء و تحت تاءثير هيچ قدرتى واقع نشوند و از قوانين مخالف با شرع مطهر و قانون اساسى بدون هيچ ملاحظه جلوگيرى نمايند و با ملاحظه ضرورات كشور كه گاهى با احكام ثانويه و گاهى به ولايت فقيه بايد اجرا شود توجه نمايند.

و وصيّت من به ملت شريف آن است كه در تمام انتخابات چه انتخاب رييس جمهور و چه نمايندگان مجلس شوراى اسلامى و چه انتخاب خبرگان براى تعيين شوراى رهبرى يا رهبر در صحنه باشند و اشخاصى كه انتخاب مى كنند روى ضوابطى باشد كه اعتبار مى شود مثلا در انتخاب خبرگان براى تعيين شوراى رهبرى يا رهبر توجه كنند كه اگر مسامحه نمايند و خبرگان را روى موازين شرعيه و قانون انتخاب نكنند چه بسا كه خساراتى به اسلام و كشور وارد شود كه جبران پذير نباشد و در اين صورت همه در پيشگاه خداوند متعال مسؤ ول مى باشند. از اين قرار عدم دخالت ملت از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازارى و كشاورز و كارگر و كارمند همه و همه مسؤ ول سرنوشت كشور و اسلام مى باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل هاى آتيه ، و چه بسا كه در بعض مقاطع عدم حضور و مسامحه ، گناهى باشد كه در راءس گناهان كبيره است

ويژگى مسئولان مملكت

پس علاج واقعه را قبل از وقوع بايد كرد و الاّ كار از دست همه خارج خواهد شد و اين حقيقتى است كه بعد از مشروطه لمس نموده ايد و نموده ايم . چه هيچ علاجى بالاتر و والاتر از آن نيست كه ملت در سرتاسر كشور در كارهايى كه محوّل به اوست بر طبق ضوابط اسلامى و قانون اساسى انجام دهد و در تعيين رييس جمهور و وكلاى مجلس با طبقه تحصيل كرده متعهد و روشنفكر با اطلاع از مجارى امور و غير وابسته به كشورهاى قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوى و تعهد به اسلام و جمهورى اسلامى مشورت كرده و با علماء و روحانيون باتقوى و متعهد به جمهورى اسلامى نيز مشورت نموده و توجه داشته باشند رييس جمهور و وكلاى مجلس از طبقه اى باشند كه محروميت و مظلوميت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فكر رفاه آنان باشند نه از سرمايه داران و زمين خواران و صدرنشينان مرفّه و غرق در لذّات و شهوات كه تلخى محروميت و رنج گرسنگان و پابرهنه گان را نمى توانند بفهمند.   
و بايد بدانيم كه اگر رييس جمهور و نمايندگان مجلس شايسته و متعهد به اسلام و دلسوز براى كشور و ملت باشند بسيارى از مشكلات پيش نمى آيد و مشكلاتى اگر باشد رفع مى شود و همين معنى در انتخاب خبرگان براى تعيين شوراى رهبرى يا رهبر با ويژگى خاص بايد در نظر گرفته شود كه اگر خبرگان كه با انتخاب ملت تعيين مى شوند از روى كمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر كشور و متديّنين و دانشمندان متعهد به مجلس خبرگان بروند بسيارى از مهمّات و مشكلات به واسطه تعيين شايسته ترين و متعهدترين شخصيتها براى رهبرى يا شوراى رهبرى پيش نخواهد آمد، يا با شايستگى رفع خواهد شد. و با نظر به اصل يكصدونهم و يكصدودهم قانون اساسى ، وظيفه سنگين ملت در تعيين خبرگان و نمايندگان در تعيين رهبر يا شوراى رهبرى روشن خواهد شد كه اندك مسامحه در انتخاب ، چه آسيبى به اسلام و كشور و جمهورى اسلامى وارد خواهد كرد كه احتمال آن كه در سطح بالايى از اهميت است براى آنان تكليف الهى ايجاد مى كند.

رسالت رهبر يا شوراى رهبرى

و وصيّت اينجانب به رهبر و شوراى رهبرى در اين عصر كه عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج كشور به جمهورى اسلامى و در حقيقت به اسلام است در پوشش جمهورى اسلامى و در عصرهاى آينده آن است كه خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهورى اسلامى و محرومان و مستضعفان بنمايند و گمان ننمايند كه رهبرى فى نفسه براى آنان تحفه اى است و مقام والايى ، بلكه وظيفه سنگين و خطرناكى است كه لغزش در آن اگر خداى نخواسته با هواى نفس باشد ننگ ابدى در اين دنيا و آتش غضب خداى قهار در جهان ديگر در پى دارد از خداوند منّان هادى با تضرّع و ابتهال مى خواهم كه ما و شما را از اين امتحان خطرناك با روى سفيد در حضرت خود بپذيرد و نجات دهد و اين خطر قدرى خفيف تر براى رؤ ساء جمهور حال و آينده و دولتها و دست اندركاران به حسب درجات در مسئووليّتها نيز هست كه بايد خداى متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارك او بدانند. خداوند متعال راهگشاى آنان باشد.

قضا و عدالت اسلامى

ح :از مهمات امور، مسئله قضاوت است كه سروكار آن با جان و مال و ناموس مردم است . وصيّت اينجانب به رهبر و شوراى رهبرى آن است كه در تعيين عالى ترين مقام قضايى كه در عهده دارند كوشش كنند كه اشخاص متعهد سابقه دار و صاحب نظر در امور شرعى و اسلامى و در سياست را نصب نمايند و از شوراى عالى قضايى مى خواهم امر قضاوت را كه در رژيم سابق به وضع اسفناك و غم انگيزى در آمده بود با جديّت سروسامان دهند و دست كسانى كه با جان و مال مردم بازى مى كنند و آنچه نزد آنان مطرح نيست عدالت اسلامى است از اين كرسى پراهميت كوتاه كنند و با پشتكار و جديّت به تدريج دادگسترى را متحوّل نمايند و قضات داراى شرايطى كه انشاءاللّه با جديّت حوزه هاى علميه مخصوصا حوزه مباركه علميه قم تربيت و تعليم مى شوند و معرّفى مى گردند به جاى قضاتى كه شرايط مقرّره اسلامى را ندارند نصب گردند كه انشاءاللّه تعالى به زودى قضاوت اسلامى در سراسر كشور جريان پيدا كند. و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آينده وصيّت مى كنم كه با در نظر گرفتن احاديثى كه از معصومين صلوات اللّه عليهم در اهميت قضا و خطر عظيمى كه قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غير حق وارد شده است اين امر خطير را تصدى نمايند و نگذارند اين مقام به غير اهلش سپرده شود و كسانى كه اهل هستند از تصدى اين امر سرباز نزنند و به اشخاص غير اهل ميدان ندهند و بدانند كه همانطور كه خطر اين مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نيز بزرگ است و مى دانند كه تصدى قضا براى اهلش واجب كفايى است

خطر نفوذ افراد منحرف در حوزه هاى علميه

ط: وصيّت اينجانب به حوزه هاى مقدّسه علميّه آن است كه كرارا عرض نموده ام كه در اين زمان كه مخالفين اسلام و جمهورى اسلامى كمر به براندازى اسلام بسته اند و از هر راه ممكن براى اين مقصد شيطانى كوشش مى نمايند و يكى از راههاى با اهميت براى مقصد شوم آنان و خطرناك براى اسلام و حوزه هاى اسلامى نفوذ دادن افراد منحرف و تبهكار در حوزه هاى علميّه است كه خطر بزرگ كوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه ها با اعمال ناشايسته و اخلاق و روش انحرافى است و خطر بسيار عظيم آن در درازمدت به مقامات بالا رسيدن يك يا چند نفر شيّاد كه با آگاهى بر علوم اسلامى و جازدن خود را در بين توده ها و قشرهاى مردم پاكدل و علاقه مند نمودن آنان را به خويش و ضربه مهلك زدن به حوزه هاى اسلامى و اسلام عزيز و كشور در موقع مناسب مى باشد. و مى دانيم كه قدرتهاى بزرگ چپاولگر در ميان جامعه ها افرادى به صورتهاى مختلف از ملى گراها و روشنفكران مصنوعى و روحانى نمايان كه اگر مجال يابند از همه پرخطرتر و آسيب رسان ترند ذخيره دارند كه گاهى سى - چهل سال با مشى اسلامى و مقدّس مآبى يا پان ايرانيسم و وطن پرستى و حيله هاى ديگر با صبر و بردبارى در ميان ملتها زيست مى كنند و در موقع مناسب ماءموريت خود را انجام مى دهند. و ملت عزيز ما در اين مدت كوتاه پس از پيروزى انقلاب نمونه هايى از قبيل مجاهد خلق و فدايى خلق و توده ايها و ديگر عناوين ديده اند و لازم است همه با هشيارى اين قسم توطئه را خنثى نمايند و از همه لازم تر حوزه هاى علميّه است كه تنظيم و تصفيه آن با مدرّسين محترم و افاضل سابقه دار است با تاءييد مراجع وقت . و شايد تز نظم در بى نظمى است از القائات شوم همين نقشه ريزان و توطئه گران باشد.

ضرورت نظام دادن به حوزه ها

در هر صورت وصيّت اينجانب آن است كه در همه اعصار خصوصا در عصر حاضر كه نقشه ها و توطئه ها سرعت و قوت گرفته است ، قيام براى نظام دادن به حوزه ها لازم و ضرورى است كه علماء و مدرسين و افاضل عظيم الشاءن صرف وقت نموده و با برنامه دقيق صحيح حوزه ها را و خصوصا حوزه علميّه قم و ساير حوزه هاى بزرگ و بااهميّت را در اين مقطع از زمان از آسيب حفظ نمايند و لازم است علماء و مدرسين محترم نگذارند در درسهايى كه مربوط به فقاهت است و حوزه هاى فقهى و اصولى از طريقه مشايخ معظم كه تنها راه براى حفظ فقه اسلامى است منحرف شوند و كوشش نمايند كه هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتكار و تحقيق ها افزوده شود و فقه سنّتى كه ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن اركان تحقيق و تدقيق است محفوظ بماند و تحقيقات بر تحقيقات اضافه گردد و البته در رشته هاى ديگر علوم به مناسبت احتياجات كشور و اسلام برنامه هايى تهيه خواهد شد و رجالى در آن رشته تربيت بايد شود و از بالاترين و والاترين حوزه هايى كه لازم است به طور همگانى مورد تعليم و تعلّم قرار گيرد، علوم معنوى اسلامى (است ) از قبيل علم اخلاق و تهذيب نفس و سير و سلوك الى اللّه رزقنا اللّه و اياكم ، كه جهاد اكبر مى باشد.

خطر مجريان غيرصالح در قوه مجريه

ى :از امورى كه اصلاح و تصفيه و مراقبت از آن لازم است قوّه اجرائيه است گاهى ممكن است كه قوانين مترقى و مفيد به حال جامعه از مجلس بگذرد و شوراى نگهبان آن را تنفيذ كند و وزير مسؤ ول هم ابلاغ نمايد لكن به دست مجريان غير صالح كه افتاد آن را مسخ كنند و برخلاف مقررات يا با كاغذبازى ها يا پيچ وخمها كه به آن عادت كرده اند يا عمدا براى نگران نمودن مردم عمل كنند كه به تدريج و مسامحه غائله ايجاد مى كند.

وصيّت اينجانب به وزراء مسؤ ول در عصر حاضر و در عصرهاى ديگر آن است كه علاوه بر آنكه شماها و كارمندان وزارتخانه ها بودجه اى كه از آن ارتزاق مى كنيد مال ملت ، و بايد همه خدمتگزار ملت و خصوصا مستضعفان باشيد و ايجاد زحمت براى مردم و مخالف وظيفه عمل كردن حرام و خداى نخواسته گاهى موجب غضب الهى مى شود، همه شما به پشتيبانى ملت احتياج داريد. با پشتيبانى مردم خصوصا طبقات محروم بود كه پيروزى حاصل شد و دست ستم شاهى از كشور و ذخاير آن كوتاه گرديد و اگر روزى از پشتيبانى آنان محروم شويد شماها كنار گذاشته مى شويد و همچون رژيم شاهنشاهى ستمكار به جاى شما ستم پيشگان پستها را اشغال مى نمايند بنابراين حقيقت ملموس بايد كوشش در جلب نظر ملت بنماييد و از رفتار غير اسلامى انسانى احتراز نماييد و در همين انگيزه به وزراء كشور در طول تاريخ آينده توصيه مى كنم كه در انتخاب استاندارها دقت كنند اشخاص لايق ، متديّن ، متعهّد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمايند تا آرامش در كشور هرچه بيشتر حكمفرما باشد.

ضرورت طاغوت زدايى در سفارتخانه ها

و بايد دانست كه گرچه تمام وزيران وزارتخانه ها مسئوليت در اسلامى كردن و تنظيم امور محل مسؤ وليت خود دارند لكن بعضى از آنها ويژگى خاص دارند، مثل وزارت خارجه كه مسؤ وليت سفارتخانه ها را در خارج از كشور دارند. اينجانب از ابتداء پيروزى به وزراء خارجه راجع به طاغوت زدگى سفارتخانه ها و تحوّل آنها به سفارتخانه هاى مناسب با جمهورى اسلامى توصيه هايى نمودم ، لكن بعض آنان يا نخواستند يا نتوانستند عمل مثبتى انجام دهند و اكنون كه سه سال از پيروزى مى گذرد اگرچه وزير خارجه كنونى اقدام به اين امر نموده است و اميد است با پشتكار و صرف وقت اين امر مهم انجام گيرد و وصيّت من به وزراء خارجه در اين زمان و زمانهاى بعد آن است كه مسؤ وليت شما بسيار زياد است چه در اصلاح و تحوّل وزارتخانه و سفارتخانه ها و چه در سياست خارجى حفظ استقلال و منافع كشور و روابط حسنه با دولتهايى كه قصد دخالت در امور كشور ما را ندارند و از هر امرى كه شائبه وابستگى با همه ابعادى كه دارد به طور قاطع احتراز نماييد و بايد بدانيد كه وابستگى در بعض امور هرچند ممكن است ظاهر فريبنده اى داشته باشد يا منفعت و فائده اى در حال داشته باشد لكن در نتيجه ، ريشه كشور را به تباهى خواهد كشيد و كوشش داشته باشيد در بهتر كردن روابط با كشورهاى اسلامى و در بيدار كردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد كنيد كه خداوند با شما است

و وصيّت من به ملتهاى كشورهاى اسلامى است كه انتظار نداشته باشيد كه از خارج كسى به شما در رسيدن به هدف كه آن اسلام و پياده كردن احكام اسلام است كمك كند خود بايد به اين امر حياتى كه آزادى و استقلال را تحقق مى بخشد قيام كنيد و علماء اعلام و خطباء محترم كشورهاى اسلامى دولتها را دعوت كنند كه از وابستگى به قدرتهاى بزرگ خارجى خود را رها كنند و با ملت خود تفاهم كنند در اين صورت پيروزى را در آغوش خواهند كشيد و نيز ملتها را دعوت به وحدت كنند و از نژادپرستى كه مخالف دستور اسلام است بپرهيزند و با برادران ايمانى خود در هر كشورى و با هر نژادى كه هستند دست برادرى دهند كه اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر اين برادرى ايمانى با همت دولتها و ملتها و با تاءييد خداوند متعال روزى تحقّق يابد، خواهيد ديد كه بزرگترين قدرت جهان را مسلمين تشكيل مى دهند. به اميد روزى كه با خواست پروردگار عالم اين برادرى و برابرى حاصل شود.

نقش تبليغات و وظيفه وزارت ارشاد اسلامى

و وصيّت اينجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصا عصر حاضر كه ويژگى خاصى دارد آن است كه براى تبليغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقيقى جمهورى اسلامى كوشش ‍ كنند. ما اكنون در اين زمان كه دست ابرقدرتها را از كشور خود كوتاه كرديم مورد تهاجم تبليغاتى تمام رسانه هاى گروهى وابسته به قدرتهاى بزرگ هستيم . چه دروغها و تهمت ها كه گويندگان و نويسندگان وابسته به ابرقدرتها به اين جمهورى اسلامى نوپا نزده و نمى زنند مع الا سف اكثر دولتهاى منطقه اسلامى كه به حكم اسلام بايد دست اخوّت به ما دهند به عداوت با ما و اسلام برخاسته اند و همه در خدمت جهان خواران از هر طرف به ما هجوم آورده اند و قدرت تبليغاتى ما بسيار ضعيف و ناتوان است و مى دانيد كه امروز جهان روى تبليغات مى چرخد و با كمال تاءسف ، نويسندگان به اصطلاح روشنفكر كه به سوى يكى از دو قطب گرايش دارند به جاى آنكه در فكر استقلال و آزادى كشور و ملت خود باشند خودخواهى ها و فرصت طلبى ها و انحصارجويى ها به آنان مجال نمى دهد كه لحظه اى تفكر نمايند و مصالح كشور و ملت خود را در نظر بگيرند و مقايسه بين آزادى و استقلال را در اين جمهورى با رژيم ستمگر سابق نمايند و زندگى شرافتمندانه ارزنده را تواءم با بعض آنچه را كه از دست داده اند كه رفاه و عيش زدگى است ، با آنچه از رژيم ستم شاهى دريافت مى كردند تواءم با وابستگى و نوكرمآبى و ثناجويى و مدّاحى از جرثومه هاى فساد و معادن ظلم و فحشاء بسنجند و از تهمتها و نارواها به اين جمهورى تازه تولد يافته دست بكشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتيان و ستم پيشگان زبان ها و قلمها را به كار بگيرند.   
و مسئله تبليغ تنها به عهده وزارت ارشاد نيست بلكه وظيفه همه دانشمندان و گويندگان و نويسندگان و هنرمندان است . بايد وزارت خارجه كوشش كند تا سفارتخانه ها نشريات تبليغى داشته باشند و چهره نورانى اسلام را براى جهانيان روشن نمايند كه اگر اين چهره با آن جمال جميل كه قرآن و سنّت در همه ابعاد به آن دعوت كرده از زير نقاب مخالفان اسلام و كج فهمى هاى دوستان خودنمايى نمايد اسلام جهان گير خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصيبت بار و غم انگيز است كه مسلمانان متاعى دارند كه از صدر عالم تا نهايت آن نظير ندارد. نتوانسته اند اين گوهر گران بها را كه هر انسانى به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه كنند بلكه خود نيز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهى از آن فراريند.

نقش مخرب مراكز تعليم و تربيت غيراسلامى

ك :از امور بسيار با اهميت و سرنوشت ساز مسئله مراكز تعليم و تربيت از كودكستانها تا دانشگاهها است كه به واسطه اهميت فوق العاده اش تكرار نموده و با اشاره مى گذرم . بايد ملت غارت شده بدانند كه در نيم قرن اخير آنچه به ايران و اسلام ضربه مهلك زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است . اگر دانشگاهها و مراكز تعليم و تربيت ديگر با برنامه هاى اسلامى و ملى در راه منافع كشور به تعليم و تهذيب و تربيت كودكان و نوجوانان و جوانان جريان داشتند، هرگز ميهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمريكا و شوروى فرو نمى رفت و هرگز قراردادهاى خانه خراب كن بر ملت محروم غارت زده تحميل نمى شد و هرگز پاى مستشاران خارجى به ايران باز نمى شد و هرگز ذخاير ايران و طلاى سياه اين ملت رنج ديده در جيب قدرتهاى شيطانى ريخته نمى شد و هرگز دودمان پهلوى و وابسته هاى به آن اموال ملت را نمى توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پاركها و ويلاها بر روى اجساد مظلومان بنا كنند و بانكهاى خارج را از دسترنج اين مظلومان پركنند و صرف عيّاشى و هرزگى خود و بستگان خود نمايند. اگر مجلس و دولت و قوه قضائيه و ساير ارگانها از دانشگاههاى اسلامى و ملى سرچشمه مى گرفت ملت ما امروز گرفتار مشكلات خانه برانداز نبود و اگر شخصيتهاى پاكدامن با گرايش اسلامى و ملى به معناى صحيحش ، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام مى كند از دانشگاهها به مراكز قواى سه گانه راه مى يافت ، امروز ما غير امروز و ميهن ما غير اين ميهن و محرومان ما از قيد محروميت رها و بساط ظلم و ستمشاهى و مراكز فحشاء و اعتياد و عشرتكده ها كه هريك براى تباه نمودن نسل جوان فعّال ارزنده كافى بود درهم پيچيده و اين ارث كشور برباد ده و انسان برانداز به ملت نرسيده بود. دانشگاهها اگر اسلامى انسانى ملى بود مى توانست صدها و هزارها مدرّس به جامعه تحويل دهد لكن چه غم انگيز و اسف بار است كه دانشگاهها و دبيرستانها به دست كسانى اداره مى شد و عزيزان ما به دست كسانى تعليم و تربيت مى ديدند كه جز اقليت مظلوم محرومى همه از غرب زدگان و شرق زدگان با برنامه و نقشه ديكته شده در دانشگاهها كرسى داشتند و ناچار جوانان عزيز و مظلوم ما در دامن اين گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به كرسيهاى قانونگذارى و حكومت و قضاوت تكيه مى كردند و بر وفق دستور آنان يعنى رژيم ستمگر پهلوى عمل مى كردند اكنون به حمداللّه تعالى دانشگاه از چنگال جنايتكاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهورى اسلامى است در همه اعصار كه نگذارند عناصر فاسد داراى مكتبهاى انحرافى يا گرايش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و ساير مراكز تعليم و تربيت نفوذ كنند و از قدم اول جلوگيرى نمايند تا مشكلى پيش نيايد و اختيار از دست نرود. و وصيّت اينجانب به جوانان عزيز دانشسراها و دبيرستانها و دانشگاهها آن است كه خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قيام نمايند تا استقلال و آزادى خود و كشور و ملّت خودشان مصون باشد.

لزوم توجه خاص به قواى مسلح

ل :قواى مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمرى و شهربانى تا كميته ها و بسيج و عشاير ويژگى خاص دارند اينان كه بازوان قوى و قدرتمند جمهورى اسلامى مى باشند و نگهبان سرحدّات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنيت و آرام بخشان به ملت مى باشند، مى بايست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته باشند كه در دنيا آنچه كه مورد بهره بردارى براى قدرتهاى بزرگ و سياستهاى مخرّب بيشتر از هر چيز و هر گروهى است ، قواى مسلح است . قواى مسلح است كه با بازيهاى سياسى ، كودتاها و تغيير حكومتها و رژيمها به دست آنان واقع مى شود و سودجويان دغل بعض سران آنان را مى خرند و با دست آنان و توطئه هاى فرماندهان بازى خورده كشورها را به دست مى گيرند و ملتهاى مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادى را از كشورها سلب مى كنند و اگر فرماندهان پاكدامن متصدى امر باشند هرگز براى دشمنان كشورها امكان كودتا يا اشغال يك كشور پيش نمى آيد و يا اگر احيانا پيش آيد به دست فرماندهان متعهد شكسته و ناكام خواهد ماند.

و در ايران نيز كه اين معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت ، قواى مسلح متعهد و فرماندهان پاك و ميهن دوست سهم به سزايى داشتند و امروز كه جنگ لعنتى و تحميلى صدّام تكريتى به امر و كمك آمريكا و ساير قدرتها پس از نزديك به دو سال با شكست سياسى و نظامى ارتش متجاوز بعث و پشتيبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبرو است باز قواى مسلح نظامى و انتظامى و سپاهى و مردمى با پشتيبانى بى دريغ ملت در جبهه ها و پشت جبهه ها اين افتخار بزرگ را آفريدند و ايران را سرافراز نمودند و نيز شرارتها و توطئه هاى داخلى را كه به دست عروسكهاى وابسته به غرب و شرق براى براندازى جمهورى اسلامى بسيج شده بودند با دست توانا: جوانان كميته ها و پاسداران بسيج و شهربانى و با كمك ملت غيرتمند درهم شكسته شد. و همين جوانان فداكار عزيزند كه شبها بيدارند تا خانواده ها با آرامش استراحت كنند. خدايشان يار و مددكار باد.

ضرورت اجتناب قواى مسلح از حزب گرايى

پس وصيّت برادرانه من در اين قدمهاى آخرين عمر بر قواى مسلح به طور عموم آن است كه اى عزيزان كه به اسلام عشق مى ورزيد و با عشق لقاء اللّه به فداكارى در جبهه ها و در سطح كشور به كار ارزشمند خود ادامه مى دهيد بيدار باشيد و هشيار كه بازيگران سياسى و سياستمداران حرفه اى غرب و شرق زده و دستهاى مرموز جنايتكاران پشت پرده لبه تيز سلاح خيانت و جنايت كارشان از هر سو و بيشتر از هر گروه متوجه به شما عزيزان است و مى خواهند از شما عزيزان كه با جانفشانى خود انقلاب را پيروز نموديد و اسلام را زنده كرديد بهره گيرى كرده و جمهورى اسلامى را براندازند و شما را با اسم اسلام و خدمت به ميهن و ملت از اسلام و ملت جدا كرده به دامن يكى از دو قطب جهانخوار بيندازند و بر زحمات و فداكاريهاى شما با حيله هاى سياسى و ظاهرهاى به صورت اسلامى و ملى خط بطلان بكشند.

وصيّت اكيد من به قواى مسلح آن است كه همانطور كه از مقررات نظام ، عدم دخول نظامى در احزاب و گروهها و جبهه ها است به آن عمل نمايند و قواى مسلح مطلقا چه نظامى و انتظامى و پاسدار و بسيج و غير اينها در هيچ حزب و گروهى وارد نشده و خود را از بازيهاى سياسى دور نگهدارند. در اين صورت مى توانند قدرت نظامى خود را حفظ و از اختلافات درون گروهى مصون باشند و بر فرماندهان لازم است كه افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمايند و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است ، دولت و ملت و شوراى دفاع و مجلس شوراى اسلامى وظيفه شرعى و ميهنى آنان است كه اگر قواى مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد بر خلاف مصالح اسلام و كشور بخواهند عملى انجام دهند يا در احزاب وارد شوند كه بى اشكال به تباهى كشيده مى شوند و يا در بازيهاى سياسى وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت كنند و بر رهبر و شوراى رهبرى است كه با قاطعيت از اين امر جلوگيرى نمايد تا كشور از آسيب در امان باشد.

احتياج صنعتى و لزوم عدم وابستگى به قدرتهاى خارجى

و من به همه نيروهاى مسلح در اين پايان زندگى خاكى وصيّت مشفقانه مى كنم كه از اسلام كه يگانه مكتب استقلال و آزادى خواهى است و خداوند متعال همه را با نور هدايت آن به مقام والاى انسانى دعوت مى كند چنانچه امروز وفاداريد در وفادارى استقامت كنيد كه شما را و كشور و ملت شما را از ننگ وابستگيها و پيوستگيها به قدرتهايى كه همه شما را جز براى بردگى خويش نمى خواهند و كشور و ملت عزيزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زير بار ننگين ستم پذيرى نگه مى دارند نجات مى دهد و زندگى انسانى شرافتمندانه را ولو با مشكلات بر زندگانى ننگين بردگى اجانب ولو با رفاه حيوانى ترجيح دهيد و بدانيد مادام كه در احتياجات صنايع پيشرفته ، دست خود را پيش ديگران دراز كنيد و به دريوزگى عمر را بگذرانيد قدرت ابتكار و پيشرفت در اختراعات در شما شكوفا نخواهد شد. و به خوبى و عينيّت ديديد كه در اين مدت كوتاه پس از تحريم اقتصادى همانها كه از ساختن هرچيز خود را عاجز مى ديدند و از راه انداختن كارخانه ها آنان را ماءيوس مى نمودند افكار خود را به كار بستند و بسيارى از احتياجات ارتش و كارخانه ها را خود رفع نمودند. و اين جنگ و تحريم اقتصادى و اخراج كارشناسان خارجى ، تحفه اى الهى بود كه ما از آن غافل بوديم . اكنون اگر دولت و ارتش كالاهاى جهانخواران را خود تحريم كنند و به كوشش و سعى در راه ابتكار بيفزايند اميد است كه كشور خودكفا شود و از دريوزگى از دشمن نجات يابد.

و هم در اينجا بايد بيفزايم كه احتياج ما پس از اين همه عقب ماندگى مصنوعى به صنعتهاى بزرگ كشورهاى خارجى حقيقتى است انكارناپذير، و اين به آن معنى نيست كه ما بايد در علوم پيشرفته به يكى از دو قطب وابسته شويم . دولت و ارتش بايد كوشش كنند كه دانشجويان متعهد را در كشورهايى كه صنايع بزرگ پيشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نيستند بفرستند و از فرستادن به آمريكا و شوروى و كشورهاى ديگر كه در مسير اين دو قطب هستند احتراز كنند، مگر انشاءاللّه روزى برسد كه اين دو قدرت به اشتباه خود پى ببرند و در مسير انسانيّت و انسان دوستى و احترام به حقوق ديگران واقع شوند يا انشاءاللّه مستضعفان جهان و ملتهاى بيدار و مسلمانان متعهد آنان را به جاى خود نشانند.به اميد چنين روزى

وظيفه رسانه هاى جمعى در عصر حاضر

م :راديو و تلويزيون و مطبوعات و سينماها و تئاترها از ابزارهاى مؤ ثّر تباهى و تخدير ملتها، خصوصا نسل جوان بوده است . در اين صدسال اخير به ويژه نيمه دوم آن چه نقشه هاى بزرگى از اين ابزار چه در تبليغ ضد اسلام و ضد روحانيت خدمتگزار و چه در تبليغ استعمارگران غرب و شرق كشيده شد و از آنها براى درست كردن بازار كالاها خصوصا تجمّلى و تزئينى از هر قماش ، از تقليد در ساختمانها و تزئينات و تجمّلات آنها و تقليد در اجناس ‍ نوشيدنى و پوشيدنى و در فرم آنها استفاده كردند به طورى كه افتخار بزرگ فرنگى مآب بودن در تمام شئون زندگى از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ويژه در خانمهاى مرفّه يا نيمه مرفّه بود و در آداب معاشرت و كيفيت حرف زدن و به كار بردن لغات غربى در گفتار و نوشتار به صورتى بود كه فهم آن براى بيشتر مردم غير ممكن و براى هم رديفان نيز مشكل مى نمود. فيلمهاى تلويزيون از فرآورده هاى غرب يا شرق بود كه طبقه جوان زن و مرد را از مسير عادى زندگى و كار و صنعت و توليد و دانش منحرف و به سوى بى خبرى از خويش و شخصيت خود و يا بدبينى و بدگمانى به همه چيز خود و كشور خود حتى فرهنگ و ادب و مآثر پرارزشى كه بسيارى از آن با دست خيانتكار سودجويان، به كتابخانه ها و موزه هاى غرب و شرق منتقل گرديده است .  
مجله ها با مقاله ها و عكسهاى افتضاح بار و اسف انگيز و روزنامه ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگى خويش و ضد اسلامى با افتخار مردم به ويژه طبقه جوان مؤ ثّر را به سوى غرب يا شرق هدايت مى كردند. اضافه كنيد بر آن تبليغ دامنه دار در ترويج مراكز فساد و عشرتكده ها و مراكز قمار و لاتار و مغازه هاى فروش كالاهاى تجمّلاتى و اسباب آرايش و بازيها و مشروبات الكلى به ويژه آنچه از غرب وارد مى شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن ديگر، عروسكها و اسباب بازيها و كالاهاى تجمّلى وارد مى شد و صدها چيزهايى كه امثال من از آنها بى اطلاع هستيم و اگر خداى نخواسته عمر رژيم سرسپرده و خانمان برانداز پهلوى ادامه پيدا مى كرد چيزى نمى گذشت كه جوانان برومند ما اين فرزندان اسلام و ميهن كه چشم اميد ملت به آنها است با انواع دسيسه ها و نقشه هاى شيطانى به دست رژيم فاسد و رسانه هاى گروهى و روشنفكران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمى بستند يا جوانى خود را در مراكز فساد تباه مى كردند و يا به خدمت قدرتهاى جهانخوار درآمده و كشور را به تباهى مى كشاندند. خداوند متعال به ما و آنان منّت گذاشت و همه را از شرّ مفسدين و غارتگران نجات داد.

اكنون وصيّت من به مجلس شوراى اسلامى در حال و آينده و رييس جمهور و رؤ ساى جمهور ما بعد و به شوراى نگهبان و شوراى قضايى و دولت در هر زمان آن است كه نگذارند اين دستگاههاى خبرى و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح كشور منحرف شوند و بايد همه بدانيم كه آزادى به شكل غربى آن كه موجب تباهى جوانان و دختران و پسران مى شود از نظر اسلام و عقل محكوم است و تبليغات و مقالات و سخنرانيها و كتب و مجلات برخلاف اسلام و عفّت عمومى و مصالح كشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگيرى از آنها واجب است و از آزاديهاى مخرّب بايد جلوگيرى شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسير ملت و كشور اسلامى و مخالف با حيثيّت جمهورى اسلامى است ، به طور قاطع اگر جلوگيرى نشود همه مسؤ ول مى باشند و مردم و جوانان حزب اللهى اگر برخورد به يكى از امور مذكور نمودند به دستگاههاى مربوطه رجوع كنند و اگر آنان كوتاهى نمودند خودشان مكلّف به جلوگيرى هستند. خداوند تعالى مددكار همه باشد.

نصيحت و وصيتى به گروه ها و گروهك ها

ن :نصيحت و وصيّت من به گروهها و گروهكها و اشخاصى كه در ضديّت با ملت و جمهورى اسلامى و اسلام فعاليت مى كنند، اول به سران آنان در خارج و داخل ، آن است كه تجربه طولانى به هر راهى كه اقدام كرديد و به هر توطئه اى كه دست زديد و به هر كشور و مقامى كه توسّل پيدا كرديد، به شماها كه خود را عالم و عاقل مى دانيد بايد آموخته باشد كه مسير يك ملّت فداكار را نمى شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازيهاى بى سروپا و غير حساب شده منحرف كرد و هرگز هيچ حكومت و دولتى را نمى توان با اين شيوه هاى غير انسانى و غير منطقى ساقط نمود، به ويژه ملتى مثل ايران را كه از بچه هاى خردسالش تا پيرزنها و پيرمردهاى بزرگ سالش ، در راه هدف و جمهورى اسلامى و قرآن و مذهب جانفشانى و فداكارى مى كنند. شماها كه مى دانيد (و اگر ندانيد بسيار ساده لوحانه فكر مى كنيد) كه ملت با شما نيست و ارتش با شماها دشمن است و اگر فرض بكنيد با شما بودند و دوست شما بودند، حركات ناشيانه شما و جناياتى كه با تحريك شما رخ داد آنان را از شما جدا كرد و جز دشمن تراشى كار ديگرى نتوانستيد بكنيد. من وصيّت خيرخواهانه در اين آخر عمر به شما مى كنم كه اوّلا با اين ملت طاغوت زده رنج كشيده كه پس از دو هزاروپانصد سال ستمشاهى با فدا دادن بهترين فرزندان و جوانانش خود را از زير بار ستم جنايتكارانى همچون رژيم پهلوى و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستيز برخاسته ايد چطور وجدان يك انسان هرچه پليد باشد راضى مى شود براى احتمال رسيدن به يك مقام با ميهن خود و ملت خود اينگونه رفتار كند و به كوچك و بزرگ آنها رحم نكند. من به شما نصيحت مى كنم دست از اين كارهاى بى فايده و غير عاقلانه برداريد و گول جهانخواران را نخوريد و در هرجا هستيد اگر به جنايتى دست نزديد به ميهن خود و دامن اسلام برگرديد و توبه كنيد كه خداوند ارحم الراحمين است و جمهورى اسلامى و ملت از شما انشاءاللّه مى گذرند و اگر دست به جنايتى زديد كه حكم خداوند تكليف شما را معيّن كرده ، باز از نيمه راه برگشته و توبه كنيد و اگر شهامت داريد تن به مجازات داده و با اين عمل خود را از عذاب اليم خداوند نجات دهيد و الاّ در هرجا هستيد عمر خود را بيش از اين هدر ندهيد و به كار ديگر مشغول شويد كه صلاح در آن است

نصيحتى مشفقانه به هواداران گروهك ها

و بعد به هواداران داخلى و خارجى آنان وصيّت مى كنم كه با چه انگيزه جوانى خود را براى آنان كه اكنون ثابت است كه براى قدرتمندان جهان خوار خدمت مى كنند و از نقشه هاى آنها پيروى مى كنند و ندانسته به دام آنها افتاده اند به هدر مى دهيد؟ و با ملت خود در راه چه كسى جفا مى كنيد؟ شما بازى خوردگان دست آنها هستيد و اگر در ايران هستيد به عيان مشاهده مى كنيد كه توده هاى ميليونى به جمهورى اسلامى وفادار و براى آن فداكارند و به عيان مى بينيد كه حكومت و رژيم فعلى با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان كه به دروغ ادعاى خلقى بودن و مجاهد و فدايى براى خلق مى كنند، با خلق خدا به دشمنى برخاسته و شما پسران و دختران ساده دل را براى مقاصد خود و مقاصد يكى از دو قطب قدرت جهانخوار به بازى گرفته و خود يا در خارج در آغوش يكى از دو قطب جنايتكار به خوشگذرانى مشغول و يا در داخل به خانه هاى مجلل تيمى با زندگى اشرافى نظير منازل جنايتكارانى بدبخت به جنايت خود ادامه مى دهند و شما جوانان را به كام مرگ مى فرستند.

نصيحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است كه از راه اشتباه برگرديد و با محرومين جامعه كه با جان و دل به جمهورى اسلامى خدمت مى كنند متحد شويد و براى ايران مستقل و آزاد فعاليت نماييد تا كشور و ملت از شرّ مخالفين نجات پيدا كند و همه با هم به زندگى شرافتمندانه ادامه دهيد. تا چه وقت و براى چه گوش به فرمان اشخاصى هستيد كه جز به نفع شخصى خود فكر نمى كنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستيز هستند و شما را فداى مقاصد شوم و قدرت طلبى خويش مى نمايند؟ شما در اين سالهاى پيروزى انقلاب ديديد كه ادّعاهاى آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادّعاها فقط براى فريب جوانان صاف دل است و مى دانيد كه شما قدرتى در مقابل سيل خروشان ملت نداريد و كارهايتان جز به ضرر خودتان و تباهى عمرتان نتيجه اى ندارد، من تكليف خود را كه هدايت است ادا كردم و اميد است به اين نصيحت كه پس از مرگ من به شما مى رسد و شائبه قدرت طلبى در آن نيست گوش فرا دهيد و خود را از عذاب اليم الهى نجات دهيد. خداوند منّان شما را هدايت فرمايد و صراط مستقيم را به شما بنمايد.  
وصيت به چپ گرايان

وصيّت من به چپ گرايان مثل كمونيستها و چريكهاى فدايى خلق و ديگر گروهها( ى ) متمايل به چپ آن است كه شماها بدون بررسى صحيح از مكتبها و مكتب اسلام نزد كسانى كه از مكتبها و خصوص اسلام اطلاع صحيح دارند با چه انگيزه خودتان را راضى كرديد به مكتبى كه امروز در دنيا شكست خورده رو آوريد و چه شده كه دل خود را به چند ايسم كه محتواى آنها پيش اهل تحقيق پوچ است خوش كرده ايد و شما را چه انگيزه وادار كرده كه مى خواهيد كشور خود را به دامن شوروى يا چين بكشيد و با ملّت خود به اسم توده دوستى به جنگ برخاسته يا به توطئه هايى براى نفع اجنبى به ضد كشور خود و توده هاى ستمديده دست زديد؟ شما مى بينيد كه از اول پيدايش كمونيسم مدعيان آن ديكتاتورترين و قدرت طلب و انحصارطلب ترين حكومتهاى جهان بوده و هستند. چه ملتهايى زير دست و پاى شوروى مدّعى طرفدار توده ها خُرد شدند و از هستى ساقط گرديدند. ملت روسيه ، مسلمانان و غير مسلمانان ، تاكنون در زير فشار ديكتاتورى حزب كمونيست دست و پا مى زنند و از هرگونه آزادى محروم و در اختناق بالاتر از اختناقهاى ديكتاتورهاى جهان به سر مى برند. استالين ، كه يكى از چهره هاى به اصطلاح درخشان حزب بود، ورود و خروجش ‍ را و تشريفات آن و اشرافيت او را ديديم . اكنون كه شما فريب خوردگان در عشق آن رژيم جان مى دهيد مردم مظلوم شوروى و ديگر اقمار او چون افغانستان از ستمگريهاى آنان جان مى سپارند و آنگاه شما كه مدّعى طرفدارى از خلق هستيد بر اين خلق محروم در هرجا كه دستتان رسيده چه جناياتى انجام داديد و با اهالى شريف آمل كه آنان را به غلط طرفدار پروپا قرص خود معرفى مى كرديد و عده بسيارى را به فريب به جنگ مردم و دولت فرستاديد و به كشتن داديد. چه جنايتها كه نكرديد. و شما طرفدار خلق محروم مى خواهيد خلق مظلوم و محروم ايران را به دست ديكتاتورى شوروى دهيد و چنين خيانتى را با سرپوش فدايى خلق و طرفدار محرومين در حال اجراء هستيد، منتهى حزب توده و رفقاى آن با توطئه و زير ماسك طرفدارى از جمهورى اسلامى و ديگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.  
من به شما احزاب و گروهها چه آنان كه به چپ گرايى معروف گرچه بعض شواهد و قرائن دلالت دارد كه اينان كمونيست آمريكايى هستند و چه آنان كه از غرب ارتزاق مى كنند و الهام مى گيرند و چه آنها كه با اسم خودمختارى و طرفدارى از كرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم كردستان و ديگر جاها را از هستى ساقط نموده و مانع از خدمتهاى فرهنگى و بهداشتى و اقتصادى و بازسازى دولت جمهورى در آن استانها مى شوند، مثل حزب دموكرات و كوموله وصيّت مى كنم كه به ملت بپيوندند و تاكنون تجربه كرده اند كه كارى جز بدبخت كردن اهالى آن مناطق نكرده اند و نمى توانند بكنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است كه با دولت تشريك مساعى نموده و از ياغى گرى و خدمت به بيگانگان و خيانت به ميهن خود دست بردارند و به ساختن كشور بپردازند و مطمئن باشند كه اسلام براى آنان هم از قطب جنايتكار غرب و هم از قطب ديكتاتور شرق بهتر است و آرزوهاى انسانى خلق را بهتر انجام مى دهد.

سفارش به گروه هاى مسلمان خطاكار

و وصيّت من به گروههاى مسلمان كه از روى اشتباه به غرب و احيانا به شرق تمايل نشان مى دهند و از منافقان كه اكنون خيانتشان معلوم شد گاهى طرفدارى مى كردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روى خطا و اشتباه گاهى لعن مى كردند و طعن مى زدند آن است كه بر سر اشتباه خود پافشارى نكنند و با شهامت اسلامى به خطاى خود اعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم براى رضاى خداوند هم صدا و هم مسير شده و اين مستضعفان تاريخ را از شرّ مستكبران نجات دهيد و كلام مرحوم مدرّس آن روحانى متعهد پاك سيرت و پاك انديشه را به خاطر بسپريد كه در مجلس افسرده آن روز گفت اكنون كه بايد از بين برويم چرا با دست خود برويم . من هم امروز به ياد آن شهيد راه خدا به شما برادران مؤ من عرض مى كنم اگر ما با دست جنايتكار آمريكا و شوروى از صفحه روزگار محو شويم و با خون سرخ شرافتمندانه با خداى خويش ملاقات كنيم ، بهتر از آن است كه در زير پرچم ارتش سرخ شرق و سياه غرب زندگى اشرافى مرفّه داشته باشيم و اين سيره و طريقه انبياء عظام و ائمه مسلمين و بزرگان دين مبين بوده است و ما بايد از آن تبعيّت كنيم و بايد به خود بباورانيم كه اگر يك ملت بخواهند بدون وابستگى ها زندگى كنند مى توانند و قدرتمندان جهان بر يك ملت نمى توانند خلاف ايده آنان را تحميل كنند. از افغانستان عبرت بايد گرفت با آنكه دولت غاصب و احزاب چپى با شوروى بوده و هستند تا كنون نتوانسته اند توده هاى مردم را سركوب نمايند.

بركات استقلال

علاوه بر اين اكنون ملتهاى محروم جهان بيدار شده اند و طولى نخواهد كشيد كه اين بيداريها به قيام و نهضت و انقلاب انجاميده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستكبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پاى بند به ارزشهاى اسلامى مى بينيد كه جدايى و انقطاع از شرق و غرب بركات خود را دارد نشان مى دهد و مغزهاى متفكّر بومى به كار افتاده و به سوى خودكفايى پيشروى مى كند و آنچه كارشناسان خائن غربى و شرقى براى ملت ما محال جلوه مى دادند امروز به طور چشمگيرى با دست و فكر ملت انجام گرفته و انشاءاللّه تعالى در درازمدت انجام خواهد گرفت و صدافسوس كه اين انقلاب دير تحقق پيدا كرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه كثيف محمدرضا تحقق نيافت و اگر شده بود ايران غارت زده غير از اين ايران بود.

و وصيّت من به نويسندگان و گويندگان و روشنفكران و اشكال تراشان و صاحب عقدگان آن است كه به جاى آنكه وقت خود را در خلاف مسير جمهورى اسلامى صرف كنيد و هرچه توان داريد در بدبينى و بدخواهى و بدگويى از مجلس و دولت و ساير خدمتگزاران به كار بريد و با اين عمل كشور خود را به سوى ابرقدرتها سوق دهيد با خداى خود يك شب خلوت كنيد و اگر به خداوند عقيده نداريد با وجدان خود خلوت كنيد و انگيزه باطنى خود را كه بسيار مى شود خود انسانها از آن بى خبرند بررسى كنيد ببينيد آيا با كدام معيار و با چه انصاف خون اين جوانان قلم قلم شده را در جبهه ها و در شهرها ناديده مى گيريد و با ملتى كه مى خواهد از زير بار ستمگران و غارتگران خارجى و داخلى خارج شود و استقلال و آزادى را با جان خود و فرزندان عزيز خود به دست آورده و با فداكارى مى خواهد آن را حفظ كند، به جنگ اعصاب برخاسته ايد و به اختلاف انگيزى و توطئه هاى خائنانه دامن مى زنيد و راه را براى مستكبران و ستمگران باز مى كنيد. آيا بهتر نيست كه با فكر و قلم و بيان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمايى براى حفظ ميهن خود نماييد؟ آيا سزاوار نيست كه به اين ملت مظلوم محروم كمك كنيد و با يارى خود حكومت اسلامى را استقرار دهيد؟ آيا اين مجلس و رييس جمهور و دولت و قوه قضايى را از آنچه در زمان رژيم سابق بود بدتر مى دانيد؟ آيا از ياد برده ايد ستم هايى كه آن رژيم لعنتى بر اين ملت مظلوم و بى پناه روا مى داشت ؟ آيا نمى دانيد كه كشور اسلامى در آن زمان يك پايگاه نظامى براى آمريكا بود و با آن عمل يك مستعمره مى كردند و از مجلس تا دولت و قواى نظامى در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با اين ملت و ذخاير آن چه مى كردند؟ آيا اشاعه فحشاء در سراسر كشور و مراكز فساد از عشرتكده ها و قمارخانه ها و ميخانه ها و مغازه هاى مشروب فروشى و سينماها و ديگر مراكز كه هريك براى تباه كردن نسل جوان عاملى بزرگ بود از خاطرتان محو شده ؟ آيا رسانه هاى گروهى و مجلات سراسر فسادانگيز و روزنامه هاى آن رژيم را به دست فراموشى سپرده ايد؟

و اكنون كه از آن بازارهاى فساد اثرى نيست براى آنكه در چند دادگاه يا چند جوان كه شايد اكثر از گروههاى منحرف نفوذ كرده و براى بدنام نمودن اسلام و جمهورى اسلامى كارهاى انحرافى انجام مى دهند و كشتن عده اى كه مفسد فى الارض هستند و قيام بر ضد اسلام و جمهورى اسلامى مى كنند شما را به فرياد درآورده و با كسانى كه با صراحت ، اسلام را محكوم مى كنند و بر ضد آن قيام مسلحانه يا قيام با قلم و زبان كه اسفناك تر از قيام مسلحانه است نموده اند پيوند مى كنيد و دست برادرى مى دهيد و آنان را كه خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم مى خوانيد و در كنار بازى گرانى كه فاجعه 14 اسفند را برپا كردند و جوانان بى گناه را با ضرب و شتم كوبيدند نشسته و تماشاگر معركه مى شويد، يك عمل اسلامى و اخلاقى است و عمل دولت و قوه قضائيه كه معاندين و منحرفين و ملحدين را به جزاى اعمال خويش مى رسانند شما را به فرياد درآورده و داد مظلوميت مى زنيد.

تاءسفى بر اشكال تراشان

من براى شما برادران كه از سوابقتان تا حدّى مطلع و علاقه مند به بعضى از شما هستم متاءسف هستم نه براى آنان كه اشرارى بوده اند در لباس خيرخواهى و گرگهايى در پوشش ‍ چوپان و بازيگرانى بودند كه همه را به باد بازى و مسخره گرفته و درصدد تباه كردن كشور و ملت و خدمتگزارى به يكى از دو قطب چپاولگر بودند.

آنان كه با دست پليد خود جوانان و مردان ارزشمند و علماء مربى جامعه را شهيد نمودند و به كودكان مظلوم مسلمانان رحم نكردند خود را در جامعه رسوا و در پيشگاه خداوند قهار مخذول نمودند و راه بازگشت ندارند كه شيطان نفس امّاره بر آنان حكومت مى كند لكن شما برادران مؤ من با دولت و مجلس كه كوشش دارد خدمت به محرومين و مظلومين و برادران سروپا برهنه و از همه مواهب زندگى محروم نمايد چرا كمك نمى كنيد و شكايت داريد؟ آيا مقدار خدمت دولت و بنيادهاى جمهورى را با اين گرفتاريها و نابسامانى ها كه لازمه هر انقلاب است و جنگ تحميلى با آن همه خسارت و ميليونها آواره خارجى و داخلى و كارشكنى هاى بيرون از حد را در اين مدت كوتاه مقايسه با كارهاى عمرانى رژيم سابق نموده ايد آيا نمى دانيد كه كارهاى عمرانى آن زمان اختصاص داشت تقريبا به شهرها آن هم به محلاّت مرفّه . و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره ناچيز داشته يا نداشتند و دولت فعلى و بنيادهاى اسلامى براى اين طايفه محروم با جان و دل خدمت مى كنند شما مؤمنان هم پشتيبان دولت باشيد تا كارها زود انجام گيرد و در محضر پروردگار كه خواه ناخواه خواهيد رفت با نشان خدمتگزارى به بندگان او برويد. (اين مقدار بريده شده را خودم انجام دادم )

مخالفت اسلام با سرمايه دارى ظالمانه و بى حساب

س :يكى از امورى كه لازم به توصيه و تذكر آن است كه اسلام نه با سرمايه دارى ظالمانه و بى حساب و محروم كننده توده هاى تحت ستم و مظلوم موافق است بلكه آن را به طور جدّى در كتاب و سنّت محكوم مى كند و مخالف عدالت اجتماعى مى داند. گرچه بعض كج فهمان بى اطلاع از رژيم حكومت اسلامى و از مسائل سياسى حاكم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طورى وانمود كرده اند (و باز هم دست برنداشته اند) كه اسلام طرفدار بى مرز و حد سرمايه دارى و مالكيت است و با اين شيوه كه با فهم كج خويش از اسلام برداشت نموده اند چهره نورانى اسلام را پوشانيده و راه را براى مغرضان و دشمنان اسلام بازنموده كه به اسلام بتازند و آن را رژيمى چون رژيم سرمايه دارى غرب مثل رژيم آمريكا و انگلستان و ديگر چپاولگران غرب به حساب آورند و با اتكال به قول و فعل اين نادانان يا غرضمندانه و يا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعى با اسلام به معارضه برخاسته اند و نه رژيمى مانند رژيم كمونيسم و ماركسيسم لنينيسم است كه با مالكيت فردى مخالف و قائل به اشتراك مى باشند با اختلاف زيادى كه دوره هاى قديم تا كنون حتى اشتراك در زن و همجنس بازى بوده و يك ديكتاتورى و استبداد كوبنده در برداشته بلكه اسلام يك رژيم معتدل با شناخت مالكيت و احترام به آن به نحو محدود در پيدا شدن مالكيت و مصرف كه اگر به حق به آن عمل شود چرخ ‌هاى اقتصاد سالم به راه مى افتد و عدالت اجتماعى كه لازمه يك رژيم سالم است تحقق مى يابد.   
در اينجا نيز يك دسته با كج فهمى ها و بى اطّلاعى از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهى با تمسّك به بعضى آيات يا جملات نهج البلاغه اسلام را موافق با مكتبهاى انحرافى ماركس و امثال او معرّفى نموده اند و توجه به ساير آيات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، بپاخاسته و مذهب اشتراكى را تعقيب مى كنند و از كفر و ديكتاتورى و اختناق كوبنده كه ارزشهاى انسانى را ناديده گرفته و يك حزب اقليت با توده هاى انسانى مثل حيوانات عمل مى كنند، حمايت مى كنند.

لزوم عدم تاثيرپذيرى مسئولين از القائات

وصيّت من به مجلس و شوراى نگهبان و دولت و رييس جمهور و شوراى قضايى آن است كه در مقابل احكام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تاءثير تبليغات بى محتواى قطب ظالم چپاولگر سرمايه دارى و قطب ملحد اشتراكى و كمونيستى واقع نشويد و به مالكيت و سرمايه هاى مشروع با حدود اسلامى احترام گذاريد و به ملت اطمينان دهيد تا سرمايه ها و فعاليتهاى سازنده به كار افتند و دولت و كشور را به خودكفايى و صنايع سبك و سنگين برسانند. و به ثروتمندان و پول داران مشروع وصيّت مى كنم كه ثروتهاى عادلانه خود را به كار اندازيد و به فعاليت سازنده در مزارع و روستاها و كارخانه ها برخيزيد كه اين خود عبادتى ارزشمند است

و به همه در كوشش براى رفاه طبقات محروم وصيّت مى كنم كه خير دنيا و آخرت شماها رسيدگى به حال محرومان جامعه است كه در طول تاريخ ستمشاهى و خان خانى در رنج و زحمت بوده اند. و چه نيكو است كه طبقات تمكّن دار به طور داوطلب براى زاغه و چپرنشينان مسكن و رفاه تهيه كنند و مطمئن باشند كه خير دنيا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است كه يكى بى خانمان و يكى داراى آپارتمان ها باشد.

سرابى كه روحانى نماها مى پيمايند

ع :وصيّت اينجانب به آن طايفه از روحانيون و روحانى نماها كه با انگيزه هاى مختلف با جمهورى اسلامى و نهادهاى آن مخالفت مى كنند و وقت خود را وقف براندازى آن مى نمايند و با مخالفان توطئه گر و بازيگران سياسى كمك و گاهى به طورى كه نقل مى شود با پولهاى گزافى كه از سرمايه داران بى خبر از خدا دريافت براى اين مقصد مى كنند كمكهاى كلان مى نمايند آن است كه شماها طرفى از اين غلطكاريها تاكنون نبسته و بعد از اين هم گمان ندارم ببنديد بهتر آن است كه اگر براى دنيا به اين عمل دست زده ايد و خداوند نخواهد گذاشت كه شما به مقصد شوم خود برسيد، تا در توبه باز است از پيشگاه خداوند عذر بخواهيد و با ملت مستمند مظلوم همصدا شويد و از جمهورى اسلامى كه با فداكاريهاى ملت به دست آمده حمايت كنيد كه خير دنيا و آخرت در آن است . گرچه گمان ندارم كه موفق به توبه شويد.

نصيحتى به مؤمنان ساده انديش

و اما به آن دسته كه از روى بعض اشتباهات يا بعض خطاها چه عمدى و چه غير عمدى كه از اشخاص مختلف يا گروهها صادر شده و مخالف با احكام اسلام بوده است با اصل جمهورى اسلامى و حكومت آن مخالفت شديد مى كنند و براى خدا در براندازى آن فعاليت مى نمايند و با تصور خودشان اين جمهورى از رژيم سلطنتى بدتر يا مثل آن است ، با نيّت صادق در خلوات تفكر كنند و از روى انصاف مقايسه نمايند با حكومت و رژيم سابق و باز توجه نمايند كه در انقلابهاى دنيا هرج و مرج ها و غلطروى ها و فرصت طلبى ها غير قابل اجتناب است و شما اگر توجه نماييد و گرفتاريهاى اين جمهورى را در نظر بگيريد از قبيل توطئه ها و تبليغات دروغين و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل و نفوذ غير قابل اجتناب گروههايى از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهاى دولتى به قصد ناراضى كردن ملت از اسلام و حكومت اسلامى و تازه كار بودن اكثر يا بسيارى از متصديان امور و پخش شايعات دروغين از كسانى كه از استفاده هاى كلان غير مشروع بازمانده يا استفاده آنان كم شده و كمبود چشمگير قضات شرع و گرفتاريهاى اقتصادى كمرشكن و اشكالات عظيم در تصفيه و تهذيب متصديان چند ميليونى و كمبود مردمان صالح كاردان و متخصص و دهها گرفتارى ديگر كه تا انسان وارد گود نباشد از آنها بى خبر است . و از طرفى اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمايه دار هنگفت كه با رباخوارى و سودجويى و با اخراج ارز و گران فروشى به حدّ سرسام آور و قاچاق و احتكار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حدّ هلاكت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد مى كشند، نزد شما آقايان به شكايت و فريب كارى آمده و گاهى هم براى باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان سهم مبلغى مى دهند و اشك تمساح مى ريزند و شما را عصبانى كرده به مخالفت بر مى انگيزانند، كه بسيارى از آنان با استفاده هاى نامشروع خون مردم را مى مكند و اقتصاد كشور را به شكست مى كشند. اينجانب نصيحت متواضعانه برادرانه مى كنم كه آقايان محترم تحت تاءثير اينگونه شايعه سازيها قرار نگيرند و براى خدا و حفظ اسلام اين جمهورى را تقويت نمايند و بايد بدانند كه اگر اين جمهورى اسلامى شكست بخورد به جاى آن يك رژيم اسلامى دلخواه بقية اللّه روحى فداه يا مطيع امر شما آقايان تحقق نخواهد پيدا كرد. بلكه يك رژيم دلخواه يكى از دو قطب قدرت به حكومت مى رسد و محرومان جهان كه به اسلام و حكومت اسلامى رو(ى ) آورده و دل باخته اند ماءيوس مى شوند و اسلام براى هميشه منزوى خواهد شد و شماها روزى از كردار خود پشيمان مى شويد كه كار گذشته و ديگر پشيمانى سودى ندارد و شما آقايان اگر توقع داريد كه در يك شب همه امور بر طبق اسلام و احكام خداوند تعالى متحوّل شود يك اشتباه است و در تمام طول تاريخ بشر چنين معجزه اى روى نداده است و نخواهد داد.

و آن روزى كه انشاءاللّه تعالى مصلح كل ظهور نمايد گمان نكنيد كه يك معجزه شود و يك روزه عالم اصلاح شود. بلكه با كوششها و فداكاريها ستمكاران سركوب و منزوى مى شوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعض عامى هاى منحرف آن است كه براى ظهور آن بزرگوار بايد كوشش در تحقق كفر و ظلم كرد تا عالم را ظلم فرا گيرد و مقدمات ظهور فراهم شود فاناللّه و انا اليه راجعون

مسلمانان بايد خود بپاخيزند

ف :وصيّت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان اين است كه شماها نبايد بنشينيد و منتظر آن باشيد كه حكّام و دست اندركاران كشورتان يا قدرتهاى خارجى بيايند و براى شما استقلال و آزادى را تحفه بياورند. ما و شماها لااقل در اين صدسال اخير كه به تدريج پاى قدرتهاى بزرگ جهانخوار به همه كشورهاى اسلامى و ساير كشورهاى كوچك باز شده است مشاهده كرديم يا تاريخ ‌هاى صحيح براى ما بازگو كردند كه هيچيك از دُوَل حاكم بر اين كشورها در فكر آزادى و استقلال و رفاه ملتهاى خود نبوده و نيستند. بلكه اكثريت قريب به اتفاق آنان يا خود به ستمگرى و اختناق ملت خود پرداخته و هرچه كرده اند براى منافع شخصى يا گروهى نموده يا براى رفاه قشر مرفّه و بالانشين بوده و طبقات مظلوم كوخ و كپرنشين از همه مواهب زندگى حتى مثل آب و نان و قوت لايموت محروم بوده و آن بدبختان را براى منافع قشر مرفّه و عيّاش به كار گرفته اند و يا آنكه دست نشاندگان قدرتهاى بزرگ بوده اند كه براى وابسته كردن كشورها و ملتها هرچه توان داشته اند به كار گرفته و با حيله هاى مختلف كشورها را بازارى براى شرق و غرب درست كرده و منافع آنان را تاءمين نموده اند و ملت ها را عقب مانده و مصرفى بار آوردند. و اكنون نيز با اين نقشه در حركتند و شما اى مستضعفان جهان و اى كشورهاى اسلامى و مسلمانان جهان بپاخيزيد و حق را با چنگ و دندان بگيريد و از هياهوى تبليغاتى ابرقدرتها و عمّال سرسپرده آنان نترسيد و حكّام جنايتكار كه دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزيز تسليم مى كنند از كشور خود برانيد و خود و طبقات خدمتگزار متعهد زمام امور را به دست گيريد و همه در زير پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخيزيد و به سوى يك دولت اسلامى با جمهورى هاى آزاد و مستقل به پيش رويد كه با تحقق آن همه مستكبران جهان را به جاى خود خواهيد نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض ‍ خواهيد رساند به اميد آن روز كه خداوند تعالى وعده فرموده است

وصيتى فراگير به ملت مسلمان ايران

ص :يك مرتبه ديگر در خاتمه اين وصيّتنامه به ملت شريف ايران وصيّت مى كنم كه در جهان حجم تحمّل زحمت ها و رنج ها و فداكاريها و جان نثاريها و محروميتها مناسب حجم بزرگى مقصود و ارزشمندى و علوّ رتبه آن است . آنچه كه شما ملت شريف و مجاهد براى آن بپا خاستيد و دنبال مى كنيد و براى آن جان و مال نثار كرده و مى كنيد والاترين و بالاترين و ارزشمندترين مقصدى است و مقصودى است كه از صدر عالم در ازل و از پس اين جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مكتب الوهيت به معنى وسيع آن و ايده توحيد با ابعاد رفيع آن است كه اساس خلقت و غايت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غيب و شهود است ؛ و آن در مكتب محمّدى صلّى اللّه عليه و آله به تمام معنى و درجات و ابعاد متجلى شده و كوشش تمام انبياء عظام عليهم سلام اللّه و اولياء معظم سلام اللّه عليهم براى تحقّق آن بوده و راه يابى به كمال مطلق و جلال و جمال بى نهايت جز با آن ميسّر نگردد، آن است كه خاكيان را بر ملكوتيان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه براى خاكيان از سير در آن حاصل مى شود براى هيچ موجودى در سراسر خلقت در سرّ و علن حاصل نشود.

شما اى ملت مجاهد در زير پرچمى مى رويد كه در سراسر جهان مادى و معنوى در اهتزاز است . بيابيد آن را يا نيابيد شما راهى را مى رويد كه تنها راه تمام انبياء عليهم سلام اللّه و يكتا راه سعادت مطلق است . در اين انگيزه است كه همه اولياء شهادت را در راه آن به آغوش ‍ مى كشند و مرگ سرخ را احلى من العسل مى دانند و جوانان شما در جبهه ها جرعه اى از آن را نوشيده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما بايد به حق بگوييم *يا ليتنا كنّا معكم فنفوز فوزا عظيما* گوارا باد بر آنان آن نسيم دل آرا و آن جلوه شورانگيز و بايد بدانيم كه طرفى از اين جلوه در كشتزارهاى سوزان و در كارخانه هاى توان فرسا و در كارگاهها و در مراكز صنعت و اختراع و ابداع و در ملت به طور اكثريت در بازارها و خيابانها و روستاها و همه كسانى كه متصدى اين امور براى اسلام و جمهورى اسلامى و پيشرفت و خودكفايى كشور به خدمتى اشتغال دارند جلوه گر است . و تا اين روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است كشور عزيز از آسيب دهر انشاءاللّه تعالى مصون است . و بحمداللّه تعالى حوزه هاى علميه و دانشگاهها و جوانان عزيز مراكز علم و تربيت از اين نفخه الهى غيبى برخوردارند و اين مراكز دربست در اختيار آنان است و به اميد خدا دست تبهكاران و منحرفان از آنها كوتاه .  
و وصيّت من به همه آن است كه با ياد خداى متعال به سوى خودشناسى و خودكفايى و استقلال با همه ابعادش به پيش و بى ترديد دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشيد و براى ترقى و تعالى كشور اسلامى به روح تعاون ادامه دهيد و اينجانب با آنچه در ملت عزيز از بيدارى و هشيارى و تعهد و فداكارى و روح مقاومت و صلابت در راه حق مى بينم و اميد آن دارم كه به فضل خداوند متعال اين معانى انسانى به اعقاب ملت منتقل شود و نسلا بعد نسل بر آن افزوده گردد.

با دلى آرام و قلبى مطمئن و روحى شاد و ضميرى اميدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوى جايگاه ابدى سفر مى كنم . و به دعاى خير شما احتياج مبرم دارم و از خداى رحمن و رحيم مى خواهم كه عذرم را در كوتاهى خدمت و قصور و تقصير بپذيرد و از ملت اميدوارم كه عذرم را در كوتاهى ها و قصور و تقصيرها بپذيرند و با قدرت و تصميم اراده به پيش روند و بدانند كه با رفتن يك خدمتگزار در سدّ آهنين ملّت خللى حاصل نخواهد شد كه خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند و اللّه نگهدار اين ملت و مظلومان جهان است

والسلام عليكم وعلى عباداللّه الصالحين و رحمت اللّه و بركاته

26 بهمن 1361 1 جمادى الاولى 1403 روح اللّه الموسوى الخمينى

بسمه تعالى

اين وصيت نامه را پس از مرگ من احمد خمينى براى مردم بخواند و در صورت عذر، رييس محترم جمهور يا رييس محترم شوراى اسلامى يا رييس محترم ديوانعالى كشور، اين زحمت را بپذيرند و در صورت عذر، يكى از فقهاء محترم نگهبان اين زحمت را قبول نمايد.

روح اللّه الموسوى الخمينى

بسمه تعالى

در زير اين وصيّت نامه 29 صفحه اى و مقدمه چند مطلب را تذكرمى دهم

1. اكنون كه من حاضرم بعض نسبتهاى بى واقعيت به من داده مى شود و ممكن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض مى كنم آنچه به من نسبت داده شده يا مى شود مورد تصديق نيست مگر آنكه صداى من يا خط و امضاء من باشد با تصديق كارشناسان يا در سيماى جمهورى اسلامى چيزى گفته باشم
2. اشخاصى در حال حيوة من ادعا نموده اند كه اعلاميه هاى اين جانب را مى نوشته اند. اين مطلب را شديدا تكذيب مى كنم تا كنون هيچ اعلاميه اى را غير شخص خودم كسى تهيه نكرده است.
3. از قرار مذكور بعضى ها ادعا كرده اند كه رفتن من به پاريس به وسيله آنان بوده . اين دروغ است . من پس از برگرداندنم از كويت با مشورت احمد، پاريس را انتخاب نمودم زيرا در كشورهاى اسلامى احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند ولى پاريس اين احتمال نبود.
4. من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسى و اسلام نمايى بعضى افراد ذكرى از آنان كرده و تمجيدى نموده ام كه بعد فهميدم از دغل بازى آنان اغفال شده ام آن تمجيدها در حالى بود كه خود را به جمهورى اسلامى متعهد و وفادار مى نماياندند و نبايد از آن مسائل سوء استفاده شود. و ميزان در هر كس حال فعلى اوست .